

سلام الله علیها

نور فاطمه زهرا



کتابخانه دیجیتال
www.noorfatemah.org

انتظار عامل مقاومت و حرکت

لطف الله صافی گلبایگانی

بسمه تعالی وله الحمد

پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم وشهادت امیرالمؤمنین وسید الشهدا علیهما السلام تا امروز، ریشه تمام حرکات ونهضت های شیعه ومسلمین، علیه باطل واستثمارگران، همین فلسفه اجتماعی انتظار وعقیده به ادامه مبارزه حق وباطل تا پیروزی مطلق بوده است. از متن کتاب (انتظار)، حالتی است که از ترکیب ایمان واعتقاد به مبانی دین وولایت امام زمان، شوق وعلاقه به ظهور وحکومت وزیست وهمراهی با اهل بیت، تنفر از وضع موجود (غیبت امام) وتوجه به نقص وفساد وتباهی آن سرچشمه گرفته، در وجود انسان شعله می کشد وانواع دگرگونیها را در حالت قلبی، اندیشه وآمال انسانی، رفتار فردی وتلاش اجتماعی انسان، ایجاد می نماید که بحث وسخن از آنها، نیازمند به حال ومجال بیشتری است.

این جزوه که در مقام بیان ارزش واهمیت انتظار مؤمنین برای ظهور مولا، حضرت ولی عصر، امام زمان - علیه الصلاة والسلام - می باشد، در بررسی اثرات انتظار، به تبیین تأثیرات اجتماعی آن پرداخته، این امر را از زوایای گوناگون روشن می سازد، وتعهدات ووظائف یک منتظر را در قبال مقدمات ظهور وجامعه جهانی ومسلمین آشکار می گرداند.

این کتاب که بار نخستین آن، سالها پیشتر از این، در دوره ننگین طاغوت منتشر شده بود، هم اکنون برای بار دیگر با تغییراتی اندک، به خدمت منتظران وعلاقمندان به آستان قدس امام زمان، حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - تقدیم می گردد.

(الحمد لله الذی یؤمن الخائفین، وینجی الصالحین، ویرفع المستضعفین، ویضع المستکبرین، ویهلك ملوکاً، ویستخلف آخرین(۱))، سپاس خدا را که بیمناکان را ایمنی، وشایستگان را رهایی می بخشد، ومستضعفین را بلند می گرداند، ومستکبرین را فرو می کشاند، وپادشاهانی را هلاک می کند، ودیگران را به جای آنها می نشاند.

(هو الذی أرسل رسوله بالهدی ودین الحق لیظهره علی الدین کله ولو کره المشرکون)(۲))، (او (خدا) است آنکه پیامبر خود را با دین حق به هدایت خلق فرستاد تا دین حق را بر تمام ادیان غالب وپیروز گرداند، اگر چه مشرکان کراهت داشته باشند).

(ولقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر أن الارض یرثها عبادی الصالحون)(۳))، (به تحقیق در زبور، پس از ذکر (تورات) نوشتیم که زمین را بندگان شایسته من به ارث می برند).

(ثلاث من کن فیه وجد حلاوة الایمان:

أَنْ یَکُونَ اللهُ، ورسوله أحبَّ الیه مما سواهما، وأن یحب المرء لا یحبه إلا الله، وأن یرکھ أن یرکھ فی الکفر بعد أن أنقذه الله منه کما یرکھ أن یُلْقَی فی النار(۴))، سه صفت است که در هر کس باشد، شیرینی ایمان را چشیده است:

۱- خدا وپیامبر خدا در نزد او، از هر چیز وهر کس محبوبتر باشند.

۲- هر کس را دوست دارد، برای خدا دوست داشته باشد.

۳- بعد از نعمت اسلام، از بازگشت به کفر (ارتداد وارترجاع) کراهت داشته باشد، چنانچه افکنده شدن در آتش را کراهت دارد).

پیشگفتار

درک صحیح، شناخت درست، توجیه و تعبیر معقول، تفسیر دقیق و واقعی الفاظ و واژه ها و اصطلاحات اسلامی، بر هر مسلمان و هر کس که بخواهد به روح تعالیم اسلام، حقیقت مکتب، برنامه های تربیتی، اجتماعی، اخلاقی، مدنی، معنوی و مادی آن آشنا شود، لازم است. چنانچه فهم جوانب ایجابی و سلبی و مثبت و منفی دین، ارتباط آن با عمل و ترقی و کمال، بهبود زندگی، عدالت اجتماعی، بهتر زیستن و ظهور ارزشهای انسانی، همه و همه منوط به دریافت درست این اصطلاحات است.

اگر مفاهیم واقعی واژه های اسلامی و معانی آنها درک شود، اشتباهات و سوء تفاهمائی که در شناخت دین و مقاصد آن برای جمعی پیش آمده، مرتفع، و هدفهای واقعی و مقاصد حقیقی دین معلوم می گردد. و اگر الفاظ و اصطلاحات دینی بطور صحیح درک نشود و با مفاهیم نادرست عرضه شود و نادانان یا مغرضان، آن را به صورت دیگر جلوه دهند، زیان آن از گمراهی صریح کمتر نخواهد بود؛ زیرا موجب سوء ظن و بدگمانی و برداشتهای غلط و ناروا از دین می گردد؛ تا آنجا که متریقی ترین و کامل ترین مکتب را عامل انحطاط، زبونی، بی عدالتی و نابرابری می پندارند؛ و حقیقتی را که عامل ایجابی و عملی و نشاط بخش و انقلابی است، عامل سلبی و منفی و رکود و سکون و وقوف و کناره گیری می شمارند.

از این نظر معرفی مفاهیم واقعی هدفها و تعلیمات و ارشادات دینی، در هر رشته، و ارتباط آن با عمل و اخلاق، و تحرک و فعالیت و کوشش و مبارزه و مقاومت و جهش و پیشرفت، کما اهمیت را دارا است. به خصوص در زمان ما که بیگانگان می خواهند با تلقینات و تبلیغات سوء و غرض آلود، جامعه و به ویژه نسل جوان را گمراه، و از آگاهیهای کافی پیرامون اصطلاحات و شعائر دین محروم نمایند، در معرفی مفاهیم یاد شده، توجه و دقت بیشتر لازم است.

این مفاهیم که انحراف از درک حقایق آنها مساوی با گمراهی در اصل دین، و یا رشته های اساسی و مهم آن است و باید نسل جوان که جویای حقیقت، و طالب کمال و ترقی و آگاهی است، در فهم آن یاری شود، بسیار است مانند:

زهد، قناعت، توکل، تسلیم، قضا و قدر، علم غیب، شفاعت، ولایت، خلافت، امامت، وصایت، تقیّه، دعا، زیارت، رژیم مستمر حکومتی اسلام در عصر حضور امام و عصر غیبت، فلسفه غیبت امام، روش تشیع و شیعه بودن، مرجعیت، و...

و از جمله، یکی هم (انتظار ظهور یا انتظار فرج و قیام حضرت مهدی اهل بیت و قائم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم است).

اگر چه اصالت مفهوم این انتظار، هنوز در اذهان، کم و بیش و به حسب مراتب معارف و آگاهیهای افراد محفوظ مانده است؛ ولی به گمان بسیاری، تلقی و برداشت اکثر جامعه از آن، چنانکه باید سازنده و مثبت نیست و جوانب سلبی و منفی آن نیز که از تعلیمات اساسی و متریقی اسلام و مبارزات سلبی رهبران دین سرچشمه می گیرد، نادرست و غیر از آنچه باید باشد عرضه شده است، و در جهت جنبش و تحرک، قدم به پیش نهادن، مجاهده، امر به معروف و نهی از منکر، ثبات قدم و پایداری، حبّ فی الله (محبت به خاطر خدا)، بغض فی الله (دشمنی به خاطر خدا) و قطع رابطه با اعداء الله، از آن بهره برداری نشده، بلکه آن را عامل سکون و سکوت، سازشکاری، وقوف، تسلیم، ساخت و باخت با ستمگران، رضایت دادن به وضع موجود و فراموش ساختن اهداف عالی اسلام معرفی کرده بودند.

جشن و چراغانی نیمه شعبان و خواندن دعای ندبه را وسیله خاموش کردن آتش اعتراض، ایجاد آرامش موقت، و مسکن نگرانیها و نارضایتیهای جامعه از بی عدالتیها و فشارها و نابرابریها و مفاسد دیگر می پنداشتند، که شور و هیجانی را که باید بر قوت وحدتش افزود تا همه تباهیها و نابسامانیها و بشر پرستی ها و استعبادها و استضعافهای گوناگون را بر باد دهد، فرو می نشاند و بر آتش روحانی و مقدسی که اسلام برای سوختن کاخهای ستم و استضعاف برافروخته و باید همیشه روشن و روشن تر شود، آب می ریزد.

لذا برای رفع هر گونه سوء تفاهم و درک مفهوم واقعی انتظار و تأثیر آن در اصلاح اجتماع، بلکه انقلابات اجتماعی و سیاسی و تقویت اراده و تربیت افراد مبارز و سرسخت و شکست ناپذیر، و شناخت فلسفه مراسم جشن و چراغانی و خواندن دعای ندبه و توسلات و توجّهات، و عرض ادب ها به ساحت مقدس و با عظمت حضرت بقیة الله فی الارضین - ارواحنا له الفداء - بخشی از کتابی را که در دست تألیف دارم، به کسانی که می خواهند از مفهوم صحیح انتظار ظهور و ارزش حقیقی آن آگاه گردند، تقدیم می نمایم.

امید است به خواست خداوند متعال اصل کتاب نیز در آینده نزدیک با تجدید نظر و بررسی لازم در این بخش چاپ و منتشر شود.

پیام منتظر

اشعار از قصیده (پیام منتظر) واز دیوان عالم فقیه، مرحوم آیه الله آقای آخوند ملا محمد جواد صافی والد مؤلف کتاب است.

بیا صبا ببر از این گدا یکی پیغام

که ای طفیل وجود تو آنچه در گیتی است

کنون که صفحه گیتی است پر ز جور و ستم

فساد کرده جهان را چو شام هجران تار

چه شامها که به امید وصل گشت سحر

تو آفتاب وجودی، روا مدار دگر

نهیم در ره تو چند دیده امید

خوش است گر بنمائی به عشاقان رویی

به کعبه تکیه نمائی و مخلصان بینی

در آز پرده که از دین نماند رسم و اثر

بیا که از تو شود پر ز عدل و داد

بیا که از تو شود نسخ رسم استبداد

بیا که منتظران را به لب رسید نفس

بیا و قطع نما ریشه های استضعاف

به یک نظر ز تومن قانعم شها، لطفی

جنود جهل نموده است روح من تسخیر

کنم چه چاره به محشر ولات حین مناص (۷)

مگر ولای تو زین مستمند گیرد دست

بسوی پادشه مُلک جان، امام آنام

اگر به (صافی) مسکین نظر کنی شاید

که ای یگانه دوران و مفخر ایام

ز عدل و داد به عالم نمانده غیر از نام

صلاح رفته چو روی تو در عالم حجاب غم (۵)

چه صبحها که نمودیم در فراق شام

به زیر سایه غیبت کند رخ تو مقام

در انتظار تو تا کی بسر بریم ایام؟

که جلوه ایش کند زنده دل خواص و عوام

پی طواف درت بسته سر بسر احرام

به جان دشمن دون زن شرر ز برق حسام (۶)

جهان بیا که از تو شود فتنه جهان آرام

جهان درآید در زیر پرچم اسلام

بیا که طاقت ما طاق گشت و صبر تمام

برای یاری دین خدا نما اقدام

خجسته آنکه به دیدار خود کنیش اکرام

هوای نفس ز عقلم ربوده است زمام

کجا پناه برم من، و کَیسَ لی معصام (۸)

به این وسیله ز یزدان نمایم استرحام (۹)

که از ولایت تو یافت دینش استحکام

اللهم أظهر به دینک وسنة نبیک حتی لا یستخفی بشیء من الحق مخافة أحد من الخلق (۱۰)، خدایا، به سبب ظهور مهدی منتظر دین خود وسنت پیغمبرت را آشکار کن؛ آن چنانکه از بیم احدی از خلق چیزی از حق پنهان نگردد - وحق گوئی وحق پرستی در همه جا و برای همه کس آزاد باشد).

اللهم إنا نرغب اليك في دولة كريمة تعز بها الاسلام وأهله، وتذل بها النفاق وأهله، وتجعلنا فيها من الدعاة الي طاعتك، والقادة الي سبيلك، وترزقنا بها كرامة الدنيا والاخرة(۱۱)، خدایا، ما از تو دولت با کرامتی می خواهیم که به آن، اسلام و اهل اسلام را عزیز گردانی، و نفاق و اهل نفاق را خوارسازی، و ما را در آن دولت از دعوت کنندگان به سوی طاعتت و رهبران به سوی راهت قرار دهی، و کرامت دنیا و آخرت روزی فرمائی).

مناجات و نیایش

خدایا، تو را سپاس می گوئیم و هر کار و هر سختی را فقط با نام تو آغاز می کنیم، و جز تو را نیایش و پرستش نمی نمائیم و از غیر تو یاری نمی خواهیم.

چقدر از حقیقت و آزادی دور افتاده اند آنان که سخنان و کارهایشان را به نام سرکشان و ستمگران می گشایند و به شرک و بت پرستی می گرایند، و در برابر نابکاران و استضعاف گران به تملق و چاپلوسی و مدح و نیایش می ایستند و شرافت انسانیّت خود را به طمع مال و مقام نابود می کنند.

خدایا، به بندگان برگزیده و نیک و فروتن که وجودشان از استکبار و استثمار و استبداد و استضعاف دیگران منزّه است؛ و به نمونه های رحمت و مهر و برابری و برادری و انسان دوستی و خیر خواهی؛ به پیامبرانی که برای راهنمایی بشر و آزادی انسانها از ذلت و اسارت فرستاده ای، خصوصاً گرامی ترین و عزیزترین بنده ات، سر حلقه اصفیا، خاتم انبیاء محمد مصطفی و خاندان پاک و پاکیزه اش، درود می فرستیم.

و به آن شخصیت عظیمی که به فرمان تو کاخهای ستمگران را ویران، و بیدادگری و فساد و استبداد را ریشه کن می سازد و جهان را در پناه حکومت اسلام و نظامات قرآن، از شرّ کفر و شرک و رژیمهای فاسد و نظامات استعبادی و غیر انسانی نجات می دهد، حضرت ولی عصر و امان دهر، صاحب الامر حجة بن الحسن العسكري - ارواح العالمین له الفداء - صلوات و سلام عرض می کنیم.

خداوندا، این آیه از کتاب بزرگ تو است:

(ونريد أن نمّن على الذين اسضعفوا في الارض ونجعلهم أئمة ونجعلهم الوارثين)(۱۲)، (وچنین می خواهیم که بر آنان که در زمین به استضعاف گرفته شده اند، منت گذاشته و آنان را پیشوایان و وارثان زمین قرار دهیم).

بارالها، تو وعده داده ای به آنانکه در این زمین استضعاف می شوند و حقوق و آزادی و موجودیتشان مورد تعرض و دستبرد واقع می شود، منت گذاری و آنان را پیشوایان و وارثان زمین قرار دهی.

تو خواسته ای که ضعیفان، و آنان که از حقوق خود محروم شده اند، با ظهور مهدی ناگهان به پاخیزد و انقلاب کنند و با بزرگترین نهضت آزادی بخش، طاغیان و یاغیان و جباران را از صفحه زمین براندازند و به حیات زورمندان ستم کیش، و قوی پنجه گان ددمنش پایان دهند؛ و قصرهایشان را بر سرشان ویران، و جهان را از آلودگی عناصر کثیف ناپاک، پاک سازند.

آفریدگارا، تو وعده داده ای که مؤمنان و بندگان صالح و شایسته ات را به رهبری مهدی آل محمد - صلوات الله علیهم اجمعین - در زمین خلافت دهی تا نهضت جهانی اسلام را علیه بیداد گران و کسانی که حقوق ضعفا را پامال، و بر آنها به زور حکومت می کنند.

و علیه سرمایه دارانی که اموال ملتها را به یغما برده، و ربا خوارانی که با سرمایه گذاری در بانکها خون نیازمندان بی نوا را مکیده و به تهیدستان و افتادگان رحم نمی نمایند.

و علیه دانشمندانی که علم خود را وسیله کسب مال و جاه، و تقرب به فرمانروایان، و توجیه تجاوزات آنها قرار داده و در برابر منکرات و ستمگریها، و فحشا و هتک نوامیس و تجاوز به احکام تو، قفل خاموشی بر دهن زده اند.

و علیه آنان که با حکومت و احکام تو مخالفت می کنند.

و علیه اجتماعات فاسدی که زن و مردش در منجلا ب فساد و فحشا، نابکاری، بی عفتی و بی حجابی و خود فروشی، غوطهور شده اند؛ آنچنان انقلابی بی امان و دگرگون کننده، و وسیع و همه جانبه بر پا کنند که به تمام بدبختیها، نابسامانیها، نابرابریها، بولهبوسها و تبعیضات، خاتمه دهند؛ و رعب و وحشت و ترس و بیم بشر را از شکنجه و آزارهای روحی و جسمی، تبدیل به امن و آرامش سازند.

خدایا، این سخن محکم و مؤکد تو است:

(وعد الله الذین آمنوا و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض کما استخلف الذین من قبلهم، ولیمکن لهم دینهم الذی ارتضی لهم، ولیبدلنهم من بعد خوفهم أمناً یعبدوننی لا یشرکون بی شیئاً) (۱۳)، (خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و عمل صالح انجام دهند، وعده داده است که حتماً ایشان را در زمین جانشین و خلیفه قرار دهد - همان گونه که پیشینیان را خلافت بخشید - و دینشان را که برایشان انتخاب کرده و پسندیده است، پا بر جا و برقرار سازد و آنچنان ترس و ناامنی آنان را به آرامش و امنیت تبدیل کند که فقط مرا پرستیده و هیچ چیز را شریک من قرار ندهند).

الها، پایان امور از برای تو و بازگشت همه به سوی تو و سرانجام نیک برای بندگان و پرستندگان تو است؛ آنان که زمامداری و حکومتشان بر اساس پرستش تو و نظام اجتماعی و اقتصادی و سیاسی دین تو است.

آنان که در قرآن مجید در توصیفشان فرموده ای:

(الذین إن مکنهم فی الارض أقاموا الصلاة، و آتوا الزکاة و أمروا بالمعروف، و نهوا عن المنکر و لله عاقبة الامور) (۱۴)، (آنان که اگر در زمین مستقرشان سازیم، نماز به پا می دارند، زکات می دهند، امر به معروف و نهی از منکر می کنند، و پایان امور از برای خدا است).

خدایا، تو اراده کرده ای که فرعونیان و هامانیان جهان را به کیفر برسانی و روز سیاهی را که از آن بیم دارند به آنها بنمایی؛ تویی که فرموده ای:

(ونری فرعون و هامان و جنودهما منهم ما کانوا یحذرون) (۱۵)، (و نشان دهیم به فرعون و هامان و لشکریانشان، آنچه را بیم داشتند).

خدایا، تو می دانی که در جهان، کسانی که تو را می پرستند و به عدالت، انسانیت، شرف، فضیلت و حقیقت ایمان دارند مستضعف شده، و مستکبرین شرق و غرب، و آنها که از تو بیگانه اند، و اندیشه های شیطانی و آرمانهای حیوانی دارند، قوی پنجه و سرکش گشته اند.

پروردگارا، تو آگاهی که ضعیف شمرده شدگان، از دست استضعاف گران و ستمگران چه می کشند؛ و تو می دانی که زورمندان برای زیردستان، هر روز و شب چه نقشه های جنایتکارانه طرح می کنند؛ و تو دانائی که اگر از عدل، صلح، آزادی، مساوات، انقلاب، همکاری، همزیستی، دموکراسی، سوسیالیزم، رفاه و هر لفظ و اصطلاح دیگر دم می زنند، دروغ می گویند و این الفاظ را بهانه رسیدن به مقاصد خائنانه و تسلط بر بندگان تو و غارت کردن ثروت و ذخائر مالی و معادن آنها کرده اند.

تو می دانی که زورمندان بزرگ، همانها که پرونده های خیانت و آلودگی و شهوترانی هاشان، کثیف ترین و رسواترین پرونده ها است، چگونه می خواهند دنیا را یک لقمه کنند و خود و گروهشان آن را یکجا ببلعند؛ و تو می دانی که سرمایه داران بزرگ دنیا که بیشتر یهودی و یهودی منش هستند و دارائیهای بی حساب را از غضب اموال کارگران مظلوم و توده های محروم اندوخته کرده و بر سیاست، اقتصاد، فرهنگ، علم و اخلاق بشر مسلط شده اند، همه را در مسیر ارضای شهوات و اندوختن سرمایه، استخدام کرده اند و چه جنایتها و قتل عامها می کنند، و چه جنگهایی را بر پا کرده و چه خونهایی را می ریزند. صدها هزار انسان بی گناه را در فلسطین از خانه و کاشانه خود آواره کرده و در بیابانها و صحراها سرگردان ساخته، و هر روز هم به بهانه ای به آنها حملهور می شوند، وزن و بچه و کوچک و بزرگشان را می کشند.

بارالها، تو می دانی که تبعیضات نژادی چگونه به زور اقویا و زمامداران ملل متمدن نما، هنوز هم که هنوز است، قیافه زشت خود را نشان می دهد.

تو دانائی که بانوان به اسم آزادی و مساوات، غیر متساوی در اسارت افتاده و وسیله اطفاء شهوت مردان شده، و امنیت و آسایش ندارند؛ و از حقیقت مقدس و رمز متعالی رابطه ازدواج و محیط انس و اطمینان و پر مهر و لطف خانواده محروم شده اند و روز به روز این تمدن منحوس یا توحش قرن اتم، آنها را به سوی سیاه چالهای سقوط پرت می کند.

تو آگاهی که در فرهنگ و تمدن غرب و شرق، غیرت همت، فداکاری د عفت، نجابت، حجاب، حیا و آزر چسان مفهومی مسخره و مبتذل و بی ارزش شده است که از آن چیزی جز لفظ باقی نمانده است.

خدایا، اگر ما به پا نخیزیم و بنشینیم و این همه صحنه های گمراهی و تباهی را در جهان ببینیم و تکان نخوریم، در پیشگاه تو شدیداً مسؤول و مقصریم.

همه ستمهایی که تو برقرار کرده ای، یا مظلومان و محرومانی هستند که برای بر پا داشتن حق و مبارزه با جهل و ظلم و باطل قیام می کنند و جنود و امدادهای تو، همه پشتیبان حق پرستان و عدالت خواهان می باشند و برای نابودی ظلم و باطل، و ایجاد و گسترش حکومت حق و عدل، در کنار اهل حق و مجاهدان واقعی قرار دارند.

تو از مطبوعات دنیا، سینماها، مراکز فساد و فحشاء سیاستها، بازرگانی ها، فرهنگها و تعلیم و تربیتها، و از همه اوضاع آگاهی و می بینی که همه این نمونه ها مظاهر انحطاط فکر بشر و گرایش او به سوی حیوانیت شده است.

جهان به دو جبهه تقسیم شده است: جبهه زورمندان و استضعاف گران، و جبهه اکثریت استضعاف شده.

خدایا، ما نمی دانیم وقت ظهور فرا رسیده یا نه، اما این قدر می دانیم که مستضعفیم، و اگر آن انقلاب تمام عیار مهدی آل محمد - عجل الله تعالی فرجه - وقتش نرسیده باشد، تو باید به ما همت و نهضت و شوق دهی تا به پا خیزیم و مشعل علم و هدایت اسلام را به دست گرفته و با همراهی و همکاری صدها میلیون مستضعف خدا پرست، با صفوف فشرده و متحد، دین تو را یاری کنیم، واحکام تو را حاکم سازیم، و قرآن را منبع الهام و حرکت خود قرار دهیم و به سوی آینده ای درخشان و اسلامی که نشانه آینده تابناک عصر حکومت مهدی باشد پیش رفته و روز بیدادگر و دشمن دین تو را سیاه سازیم.

خداوندا، یأس و ناامیدی از رحمت تو در هیچ حال جایز نیست و تو خود فرموده ای: (إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ) (۱۶)، (اگر خدا را یاری کنید، او هم شما را یاری می نماید و گامهایتان را استوار می دارد).

و(الَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ) (۱۷)، (و آنان که در (راه) ما جهاد کنند البته آنان را به راههایمان هدایت می کنیم، و خداوند هر آینه با نیکوکاران است).

و با وعده های صریح تو هیچ کس را در ترک یاری حق و یاری دین تو، عذری نیست. و انتظاری که دستاویز تبلیغات دشمنان اسلام، علیه مسلمین شده است، از اسلام نبوده بلکه عین رضایت به وضع موجود و امضای نابسامانیها و عقب ماندگیها، و مخالف با تحول و تکامل انقلاب اسلام است؛ که این انتظار، انتظاری که در قرآن تو و در احادیث و روایات دستور داده شده، نیست.

ما را از انتظار بی هدف و بی معنی دور ساز و به آن انتظار حقیقی که عامل جنبش و حرکت و مبارزه و مقاومت است، هدایت و آشنا کن.

بارالها، ما را به مسؤولیتهای خطیری که در برابر تو، نسبت به دین تو و کتاب و احکام تو داریم، راهنمایی فرما؛ و به ما توفیق کامل عطا کن تا وظایف خود را در راه یاری هدفهای عالی اسلام و اجرای احکام آن و امر به معروف و نهی از منکر، نصب العین و برنامه خود قرار دهیم.

(رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا، وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ) (۱۸)، (پرورگارا، بر ما صبر و پایداری ببخش گامهایمان را استوار بدار، و ما را بر قوم کافران یاری عنایت فرما).

به سوی هدفهای اسلامی

(إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ وَلَتَعْلَمُنَ نَبَأَهُ بَعْدَ حِينٍ). (۱۹)

: قرآن، کتابی برای جهان و جهانیان است. برای دانستن خبرها و اثرهای شگفت انگیزتر و بزرگتر آن، منتظر آینده باشید.

به سوی هدفهای اسلام

اسلام دینی است که چهارده قرن پیش به وسیله پیامبر بزرگ خدا، حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه وآله وسلم جهانیان به آن دعوت شدند، و شکوهمندترین و نجات بخش ترین نهضت‌های تاریخی و جنبش‌های مذهبی و انقلابات حقیقی را به وجود آورد.

هدف اسلام، آزاد کردن انسانها، خاتمه دادن به شرک و بت پرستی و فساد و گناه، بر چیدن بساط ظلم و استعمار، آزاد نمودن و پاکسازی مغزها از خرافات و عقاید موهوم، برداشتن امتیازات پوچ و مادی، مبارزه با جهل و نادانی، تصمیم عدالت و امنیت، بهره برداری عموم از نعمت‌های الهی، برقراری احکام خدا، استقرار نظم، حفظ حقوق، فراهم کردن امکانات ترقی، تکامل علمی، روحی، فکری، جسمی، مادی و اقتصادی برای همه، و خلاصه: دعوت به توحید و پرستش خدای یگانه و عدل و رحمت و احسان و علم و ایمان و نور و روشنائی است.

(کتاب أنزلناه إليك لتخرج الناس من الظلمات إلى النور) (۲۰) ، (کتابی است که بر تو نازل کردیم تا مردم را از تاریکی ها به سوی نور خارج کنی).

(وما أرسلناك إِلَّا رحمة للعالمين) (۲۱) ، (و نفرستادیم تو را مگر رحمتی برای جهانیان).

پیروزی اسلام بر همه ادیان

خدا وعده داده است که اسلام را بر همه ادیان پیروز سازد و این وعده ای است که قوانین خلقت و سنن آفرینش با آن موافق است؛ و وعده نصرت و غلبه همه جانبه ای است که به انبیاء داده است؛ چنانکه در سوره صافات آیات ۱۷۱ - ۱۷۳، می فرماید:

(ولقد سبقت كلمتنا لعبادنا المرسلين إنهم لهم المنصورون وإن جندنا لهم الغالبون) ، (و به تحقیق سخن ما برای بندگان ما که پیامبرند، پیشی گرفته؛ که همانا ایشان یاری شدگانند، و همانا سپاه ما بر آنها (دشمن) پیروزند).

و در سوره غافر، آیه ۵۱، می فرماید:

(إنا لننصر رسلنا والذين آمنوا في الحياة الدنيا ويوم يقوم الاشهاد) ، (همانا ما یاری می دهیم پیامبرانمان و کسانی را که ایمان آوردند، در زندگی دنیا و روزی که شاهدان (معصومین) به پا خیزند).

اسلام با چنین هدفها و برنامه های سازنده ای که این هدفها را تأمین کند، شروع به کار کرد و جلو آمد؛ و عالی ترین و پاکترین روش رهبری را به مردم ارائه داد و هدفهای خود را در عقاید، احکام، اخلاق، اقتصاد، اجتماع، دین و دنیا به مردم عرضه داشت.

مردم، شیفته و فریفته نهضت اسلام و برنامه ها و پیشنهادهای آن شدند، از آن استقبال کردند، و آن را ملاک و معیار آزادی شناختند؛ و پس از آن همه ذلت هائی که در برابر حُکام و سلاطین خود کامه داشتند، عزّتی را که اسلام به آنها عطا کرد، بزرگ ترین غنیمت شمردند.

فرزندان کارگران و دهقانان و چوپانان، که خود را با فرزندان پادشاهان و امیران برابر دیدند، لغو تقسیمات و درجه بندیهای طبقاتی را که طبقه پائین تر و فرزندانشان را از ترقی و ورود در حریم منطقه طبقه به اصطلاح بالاتر ممنوع می کرد، از جان و دل پذیرفتند و جنگ با اسلام و سپاه مسلمان را جنگ با سعادت و آزادی خود دانستند.

اسلام به زودی جای خود را در دلها باز کرد و دعوتش در عمق وجدان و شعور همه با شور و شغف بسیار استقبال شد.

هیچ کشوری را مسلمانان فتح نمی کردند مگر بعد از آنکه قلوب مردم آن را بانگ جان بخش توحید و آزادی و برابری اسلام فتح کرده بود.

این نهضت مقدّس با این برنامه های عالی و مایه های ارج دار انسانی باید جهان را فتح کرده و به همه اهدافش رسیده باشد.

چرا چنین نشد؟

و چرا اسلام در نیمه راه ماند و متوقف گشت؟

دستگاه رهبری آن، به زودی به دست افرادی جاهل و استثمارگر و عیّاش و هرزه افتاد که مسیر واقعی اسلام و جهان اسلام را تغییر دادند و همان مظاهر و اوضاع و رژیمهایی را که اسلام با آن مبارزه کرده بود، به اسم اسلام، به اسم خلافت اسلام، به اسم جهاد اسلام، به اسم عدالت اسلام، به اسم قانون اسلام و به اسم اتحاد اسلام، دوباره زنده کردند.

اسلام آمد تا بشریت را از بشر پرستی نجات دهد، تا کاختهائی را که اکاسره و قیاصره (کسری و قیصرها) از عصب حقوق و اموال و ظلم بر زیر دستان بنا نهاده بودند، ویران سازد؛ و فاصله ای را که میان زمامداران و افراد عادی بود از میان بردارد و انسانهای ناآگاه، خفته، و ناآشنا به حقوق خود را بیدار و آگاه نماید، و از مداین و رُم و پایتخت های ستمگران زمان، مدینه بی تجمل، بی دستگاه، بی کاخ و قصر، و نزدیک به همه و با همه، بسازد. اسلام بود که رهبر دُومش امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام می فرمود:

(ألا وان امامکم قد اکتفی من دنیاہ بطمرته، ومن طعمه بقرصه (۲۲)، هان! که امام شما از دنیایش به دو کهنه جامه، و از خوراکش به دو قرص نان اکتفا نموده است).

وهم او می فرمود:

والله لو أعطيت الاقاليم السبعة بما تحت أفلاكها على أن أعصى الله في نملة أسلبها جلب شعيرة ما فعلته (۲۳)، به خدا سوگند اگر هفت اقلیم را با هر چه در زیر آسمانهای آنها است به من دهند که خدا را نافرمانی کنم، در گرفتن برگ جوی از مورچه ای، چنین نخواهم کرد).

وهم از او روایت است که: هر کس بخواهد نظر کند به شخصی از اهل جهنم، نظر کند به شخصی که نشسته است و در اطراف او دیگران به عنوان احترام ایستاده اند.

ولی غاصبان مقام رهبری اسلام به جاهلیت پیشین گرائیده و همان اساس گذشته را که اسلام با آن مبارزه دارد، داغ تر و ظالمانه تر تجدید کرده، همان عیاشها، همان هرزگیها، و همان کاخها و قصور را از نو بنیاد کردند. مدینه پیغمبر و کوفه علی را کنار گذارند، بغداد، دمشق، غرناطه، قرطبه، اسلامبول، قاهره، آکره و نقاط دیگر را که در استعباد بشر و صرف میلیونها دست رنج مردمان ضعیف و عقب مانده، کمتر از مداین ورم نبود، به دنیا نشان دادند؛ و در واقع، روش ورژیم ضعیف ضد اسلامی آنها که به اسم اسلام روی کار می آمدند، اسلام را از فتح قلوب و از رسیدن به هدفهایش مانع شد.

هر کس تاریخ و سرگذشت دستگاههای جبّار بنی امیه، بنی عباس، امویین اندلس، سلاطین عثمانی و دیگر کسانی را که بر جوامع مسلمان به اسم اسلام و حاکم مسلمان، در هند، ما وراء النهر و ایران، مصر، شام و نقاط دیگر آسیا و آفریقا و اروپا، مسلط شدند بخواند، می فهمد چه وضع بسیار ناامید کننده ای جلو آمد که هدفهای واقعی و اصولی اسلام بیشتر از رسمیت افتاد و اصلاً مطرح نبود.

پاورقی:

(۱) از دعای افتتاح، مروی از حضرت مهدی.

(۲) سوره توبه، آیه ۳۳.

(۳) سوره انبیاء، آیه ۱۰۵.

(۴) حدیث نبوی، الجامع الصغیر، ج ۱، ص ۱۳۵، حرف التاء.

(۵) غمام: ابر تیره.

(۶) حسام: شمشیر.

(۷) و نیست آن زمان، زمان قرار و پناهندگی).

(۸) و نیست برای من پناهگاه.

(۹) استرحام: طلب رحمت و دلسوزی.

(۱۰) دعای افتتاح، مروی از حضرت مهدی.

(۱۱) دعای افتتاح، مروی از حضرت مهدی.

(۱۲) سوره قصص، آیه ۵.

(۱۳) سوره نور، آیه ۵۵.

(۱۴) سوره حج، آیه ۴۱.

(۱۵) سوره قصص، آیه ۶.

(۱۶) سوره محمد، آیه ۷.

(۱۷) سوره عنکبوت، آیه ۶۹.

(۱۸) سوره بقره، آیه ۲۵۰.

(۱۹) سوره ص، آیه ۸۷ - ۸۸.

(۲۰) سوره ابراهیم، آیه ۱.

(۲۱) سوره انبیاء، آیه ۱۰۷.

(۲۲) نهج البلاغه فیض الاسلام، ص ۹۶۶.

(۲۳) نهج البلاغه فیض الاسلام، خطبه ۲۱۵ ص ۷۱۴.

انتظار، عامل پایداری در برابر رهبریهای فاسد

یگانه یا مهمترین چیزی که مسلمانان را در برابر این وضع نگاه داشت و آنها را در حال اعتراض به اوضاع و تقاضای اجرای برنامه های اسلامی، شجاع و دلیر می کرد، وعده های قرآن و پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم بود که: این دین از بین نمی رود و آینده برای اسلام است، اسلام عالم گیر و پرچم حکومت توحید و حق و عدل در سراسر جهان به اهتزاز خواهد آمد.

این وعده ها بود که مسلمانان را در برابر حوادثی مثل تسلط بنی امیه، جنگهای صلیبی، هجوم چنگیز و بالاخره مثل استعمار قرن اخیر، پایدار و شکستناک داشت و سرانجام مسلمانان را علیه آنان به جهاد و پیکار برانگیخت.

این وعده ها که واقعیت آن را حقایق مسلم دینی و تاریخی صد در صد ثابت کرده است و در کتاب (نوید امن و امان) دلائل قطعی آن را نگاشته ایم، همواره به مسلمانان نوید می داد که دور اسلام و روزگار آن به پایان نمی رسد و حکومتهایی مانند بنی امیه و بنی عباس، مظهر کمال و پیشرفت و نمایش رژیم سیاسی و روش رهبری حق و عدالت اسلام نیستند و باید در انتظار آینده بود و عقب نشینی نکرد، از مرزها و سنگرها حمایت و حفاظت کرد، تا آن عصر طلایی و دوران حکومت مطلقه حق و عدالت فرا رسد؛ و موعود آخر الزمان که از دودمان پیغمبر اسلام و فرزندان علی و فاطمه، و نهمین فرزند سیدالشهدا حسین و یگانه فرزند بی مانند حضرت امام حسن عسکری: است ظاهر شود و تمام برنامه های اسلام اجرا گردد. دنیا از این همه اضطرابات روز افزون، ناامنها، افکار متضاد و رژیمهای رنگارنگ ظالمانه نجات یافته و در مهد امن و امان و اطمینان و اعتماد و اتحاد قرار بگیرد.

مسلمان همیشه به سوی آینده می نگرد و هر وضعی که موجود باشد اگر چه نسبتاً خوب و عادلانه باشد او را قانع نمی کند، آن را نهایت کار و پایان راه نمی شمارد؛ و اگر هم ظالمانه و غیر اسلامی باشد، در هر صورت و شرایطی، مسلمان ناامید نمی شود و وظیفه دارد که ظلم و فساد و تجاوز و جهل و خود کامگی و استضعاف را محکوم سازد و برای حصول هدفهای اسلام، کوشش و تلاش بیشتر نماید تا به سهم خود به اسلام عزیز و به نوع بشر و جوامع متحیر و سرگردان و مضطرب، خدمتی انجام دهد. و نشستن و تسلیم بودن و کناره گیری کردن و تماشاگر صحنه های تباهی و فساد و فقر و انحطاط اخلاقی شدن، هرگز در اسلام جایز نیست؛ و بر مسلمان منتظر و مؤمن و متعهد روا نمی باشد و با انتظار ظهور حضرت ولی عصر - ارواح العالمین له الفداء - و فلسفه انتظار موافقت ندارد.

(وقل اعملوا فسیری الله عملکم ورسوله والمؤمنون) ، (و بگو عمل کنید، پس به زودی خدا و پیامبرش و مؤمنان، عمل شما را خواهند

دید). (۱)

انتظار و وعده الهی

(قال موسى لقومه استعينوا بالله، واصبروا إِنَّ الارضَ لله يورثها من يشاء من عباده والعاقبة للمتقين)(۲) ، (موسی به قوم خود گفت: از خدا یاری بخواهید و شکیبائی کنید؛ به تحقیق که زمین از آن خدا است، به هر کس از بندگان بخواید، منتقل می فرماید؛ و حسن عاقبت از برای پرهیزکاران است).

(وأورثنا القوم الذين كانوا يستضعفون مشارق الارض ومغاربها التي باركنا فيها وتممت كلمة ربك الحسنی علی بنی اسرائیل بما صبروا ودمرنا ماكان یصنع فرعون وقومه وما كانوا یعرشون)(۳) ، (و میراث دادیم به قومی که ضعیف شمرده شده بودند، خاورهای زمین و باخترهای آن را که مبارک گردانیده بودیم. و تمام گردید کلمه (و وعده) نیکوی پروردگار تو بر بنی اسرائیل به سبب آنکه صبر کردند؛ و ویران ساختیم آنچه را فرعون و قومش می ساختند و آنچه را که افراشته بودند).

مسأله ای که همواره مایه امید مسلمانان منتظر هسته مرکزی انقلابات علیه نظامهای استثمارگر و اوضاع ظالمانه بوده وعده الهی به پیروزی نهایی مستضعفین و محرومین است.

با اینکه می بینیم زورمندان و استضعاف گران، مخالفان رژیم خود را می کوبند، در بند می کنند، به زندان می اندازند، در خاک و خون می کشند، باز هم استضعاف شدگان به پا می خیزند و مسیر تاریخ را عوض می کنند؛ باز هم سپاه پوست آمریکائی و آفریقائی قیام می کند و حقوق خود را می طلبد؛ باز هم اندونزی و الجزایر، استعمار را طرد می کنند و آن را بیرون می رانند و به حیاتش خاتمه می دهند.

فلسطینی های آواره و از خانه و وطن رانده شده، می کوشند تا روز اسرائیل و رژیم فاسد نژاد پرست صهیونیسم را - با اینکه قدرتهای بزرگ دنیا پشت سرش و بلکه در کنارش، و بلکه پیش رویش ایستاده اند و از او دفاع می کنند - سپاه نمایند، و او را از اراضی مقدسه و سرزمین هائی که غصب کرده بیرون برانند.

مسلمانان و بویژه شیعیان در طول تاریخ، علی رغم همه مشکلات و مصائب و فشارها، به دلیل همین امید و همین اعتقاد، سنگر مبارزه را رها نکرده مستمراً به تلاش خود ادامه داده اند.

مسأله این است که اگر چه ما جهان و وضع جهان را در مسیر هوی و هوس و آرزوهای زیر دستان و اقویا و طبقه حاکمه، و علیه ضعیفان و زیر دستان و طبقه محکوم و محروم و مظلوم ببینیم؛ اگر چه جریان دنیا را به کام طبقه ای که در عیاشی، هرزگی، هوسرانی، شهوات و تجملات غرق شده و لوکس ترین زندگیا را دارند، مشاهده نمائیم؛ و اگر چه بسیاری از مردم جهان در نهایت فقر و پریشانی، گرفتار بیماریهای گوناگون و محروم از حد اقل زندگی یک انسان - بلکه یک حیوان که صاحب با انصاف داشته باشد - باشند و وحشیانه ترین قدرتها، ملتها و جامعه ها را در زیر ضربه های ظلم و تجاوز پامال کنند.

مع ذلک تاریخ بر مبنای سنتهای الهی و وعده خدائی، سرانجام به نقطه ای می رود که به نفع طبقه محروم و زیان طبقه غاصب و حاکم است؛ به سوئی می رود که در آنجا همه نسبت به حقوق متساوی حق، برابر و مساوی و یک شکل و یک رنگ گردند و تمام رنگها و امتیازات بوج شسته شود و از بین برود و برتری انسانها فقط بر اساس تقوا باشد.

ستمگران و تجاوزکاران در برابر این وعده، مانند کسی هستند که بخواهد در جهت مخالف سیلی عظیم شنا کند، که هر چه قوی و شناگر باشد، سرانجام شکست می خورد و سیل او را به پیش رانده، و خواه و ناخواه در مسیر واقعی و جهت موافق سیل قرار می گیرد، یا نابود و معدوم می شود.

کسانی که علیه متجاوزان و استثمارگران انقلاب می کنند، اگر فاقد تمام وسائل هم باشند، بهترین و نیرومندترین وسیله و اسلحه پیروزی آنان این امید است که در جهت خواست و رضایت و وعده الهی قرار دارند قطعاً در مبارزه نهایی پیروزی با آنها است.

آینده جهان در کلام الهی

این گونه اعتقاد به سنت الهی - اگر چه از آن، گاهی بطور صحیح بهره برداری نمی شود و انقلابی نماها هم آن را وسیله قرار می دهند - اصل است و حقیقت؛ و در زبان قرآن کریم و احادیث شریفه به تعبیرات وافیه و صحیح تر و الفاظ کافی تر شرح و بیان شده است؛ که از جمله این آیات، واقعی ترین تعبیرات و شرح و تفسیر این مسأله است:

(قال موسى لقومه استعينوا بالله...) (۴)، (موسی به قوم خود گفت از خدا یاری خواهید...).

(وأورثنا القوم الذين كانوا يستضعفون...) (۵)، (وما قومی را که به استضعاف کشیده شده بودند وارثان (مشرق و مغرب زمین) گردانیدیم).

(بل نقذف بالحق علی الباطل فیدمغه فاذا هو زاهق) (۶)، (بلکه حق را با شدت بر باطل افکنیم؛ پس حق، باطل را در هم می شکند، آنگاه از میان می رود).

(یریدون لیطفوا نور الله بأفواههم والله متم نوره ولو کره الکافرون) (۷)، (می خواهند نور خدا را با دهانهایشان خاموش سازند و خدا تمام کننده نور خویش است، هر چند کافران را خوش نیاید).

موضوع انتظار حضرت صاحب الامر - عجل الله تعالی فرجه - و ایمان به ظهور مهدی موعود مبنای این وعده الهی است و با سنت الهی و آنچه در کتب آسمانی ثبت شده، کاملاً مطابق است.

در قرآن مجید می فرماید:

(ولقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر أن الارض یرثها عباد الصالحون) (۸)، (وهمانا در زبور، پس از ذکر - تورات نگاشتیم که زمین را بندگان شایسته من به ارث می برند).

شیعه و تمام مسلمانان بر اساس این عقیده سازنده و تحول آور، ایمان دارند که تاریخ در مسیر عدالت و به سوی عدالت جلو می رود و توقف نمی کند و زمین را بندگان صالح و شایسته خدا به ارث می برند. و سرانجام حق در همه جا حاکم و پیروز می شود؛ و این سنت خدا و قانون خدا و خواست او است که می فرماید:

(ونريد أن نمّن على الذين استضعفوا في الارض...) (۹)، (يعني ما خواسته ايم که منت گذاريم بر آنان که در زمين استضعاف شده اند...).

خدا چنين اراده کرده است که قدرت خود را به دست طبقه ضعیف آشکار سازد و طبقه استثمارگر قوی و غالب و ظالم را به دست آنان که استضعاف شده اند بکوبد و مغلوب نماید.

اين ايمان، جزء عقايد شيعه و بلکه هر مسلمان است که به هر نحو و هر طور که اوضاع به نفع ستمگران و فرعونيان استعباد پيشه قرار بگيرد، عاقبت با انقلاب مستضعفان شايسته و پرهيزکاران مجاهد، نظم و عدالت، حاکم و برقرار می شود.

اين عقیده از نظر اجتماعی، بسيار مهم و انقلابی و مترقی است و مردم را به کار و تلاش و نهضت و قيام و فعاليت، تشويق می کند و از سستی و ترک وظايف، و تسليم زبونی و ذليل شدن، باز می دارد.

حضرت امير المؤمنين عليه السلام می فرمايد:

(لتعطفن الدنيا علينا بعد شماسها عطف الضروس على ولدها - وتلا عقيب ذلك: - (ونريد أن نمّن على الذين استضعفوا في الارض ونجعلهم أئمة ونجعلهم الوارثين). (۱۰)

مضمون اين سخنان اميد بخش و مژده دهنده اين است:

اين دنيائی که مانند مرکبی چموش و سرکش، از سواری دادن به صاحب خودش خودداری می کند و با ما خاندان پيامبر ناسازگاری پيشه کرده و بر ما سخت و تنگ گرفته است؛ و حزب خدا و اهل بيت و خاندان رسالت و شيعيانشان را در فشار ظلم و استبداد غاصبان و مرتجعان گذارده، و آنان را از حقوقشان محروم، و گرفتار شکنجه و زندان، و قطع دست و پا و گوش و بينی، و کشته شدن ساخته است؛ بعد از اين همه ناسازگاريها و ظلم و جور و غصب حقوق، البته و حتماً - مانند شتر بد خو و گزنده ای که به بچه اش مهربان و مایل می شود، به ما مایل گردیده و رام اهل حق و شايستگان و مستضعفان خواهد شد. چون خدا در قرآن خبر داده است، خواستش اين است که بر آن کسان که در زمين مورد استضعاف قرار گرفته اند منت گذارد، و آنان را امامان و پيشوايان و وارثان زمين فرمايد.

معلوم است در هنگامی که ابرهای مأيوس کننده فتنه های بزرگ، و تسلط غاصبان زمامداری و مقام رهبری جامعه اسلامی بر سر مردم و اهل حق، باران بلا و ناامیدی می باریده است، با اين کلمات اميدوار کننده و انتظار بخش، علی عليه السلام دلهاي مردم را محکم کرده و به اين حقيقت بزرگ و وعده تخلف ناپذير الهی مژده داده و آنان را به فتح و ظفري که حزب خدا و حاميان حق در جلو دارند نويد داده و به استقامت و پايداری تشويق فرموده است.

اين کلام در عين حال که خبری از آینده و غيب، و پيشگوئی قاطع است، همين مسأله سنت خدا (يا به زبان ديگر، وعده الهی) را که علی عليه السلام از آن آگاهی کامل داشته است، اعلام می کند.

آری، ولیّ خدا و کسی که مصداق (ومن عنده علم الكتاب) (۱۱) است، به سنن الهی عالم و واقف است و از خواست خدا و نظامات و قواعدی که در جهان ماده و مجردات قرار داده، به اذن خدا و به تعليم او با اطلاع است.

علاوه بر این آیه کریمه، در سوره قصص در ضمن داستان استعلا و گردنکشی فرعون، این خواست و سنت خدا را صریحاً بیان فرموده است؛ چون معلوم است که این سنت الهی فقط در مورد موسی و فرعون نیست بلکه سنت عام الیه است و در مورد هر گروه مستضعف و مؤمن، و شخص یا دسته استضعاف گر در هر عصر و زمانی صادق است؛ اگر چه مصادیق آن، همه در یک ردیف نباشند و صدق این آیه و تطبیق آن و ظهور این سنت و قاعده، بر موردی ظاهرتر و آشکارتر از موارد دیگر می باشد.

ولذا علی علیه السلام بعد از اینکه خبر از یک تحوّل بزرگ و انقلاب جهانی به نفع حزب حق و پیروان مکتب ولایت می دهد، این آیه را نیز تلاوت می فرماید؛ چون چنانکه گفته شد، مفهوم آیه، اختصاص به عصر موسی و فرعون ندارد و عام و کلی است (۱۲) و ظاهرترین مصادیق این آیه در تاریخ همان انقلابی است که به رهبری حضرت مهدی، قائم آل محمد - عجل الله تعالی فرجه - بر پا می شود. انقلابی که حتماً واقع خواهد شد و خواست خدا و سنت الهی است.

(ولن تجد لسنة الله تبديلاً، ولن تجد لسنة الله تحويلاً) (۱۳)، (وهرکز در سنت خدا، تبدیل و تحویلی نخواهی یافت).

بنا بر آنچه بیان شد، معلوم می شود که انتظار و عقیده به ظهور مهدی فکر و اندیشه را چگونه آینده گرا می سازد و مسلمان را برای مقاومت، استقامت، پایداری، مبارزه با باطل و جهل و فساد، آماده و مصمم می کند و او را با این فلسفه مهم تاریخ در ضمن اصطلاحات دینی و قرآنی که کامل تر و صحیح تر از هر منطق دیگر بازگو کرده است، آشنا می نماید.

انتظار عامل مبارزه با فساد و انحراف

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَطِيعُوا الَّذِينَ كَفَرُوا يَرْدُوكُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ) (۱۴)، (ای کسانی که ایمان آورده اید، اگر از کفار فرمان ببرید، شما را به عقب (کفر و جاهلیت) بر می گردانند، پس شما زیانکار می گردید؛ بلکه خداوند مولی و صاحب اختیار شما است و او بهترین یاری کنندگان است).

(إِنَّ الَّذِينَ ارْتَدَوْا عَلَى أَدْبَارِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَى الشَّيْطَانُ سَوَّلَ لَهُمْ وَأَمْلَى لَهُمْ) (۱۵)، (به درستی آنان که به عقب برگشتند (مرتجع شدند) بعد از آنکه هدایت بر ایشان آشکار گشت، شیطان این کار (ارتجاع) را بر ایشان بیار است، و خدا آنها را (برای امتحان و اتمام حجت) مهلت داد).

(الائمة بعدی اثنا عشر تسعة من صلب الحسين والتاسع مهديهم). (۱۶)

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

امامان بعد از من دوازده نفرند، نه نفر آنها از فرزندان حسین علیه السلام می باشند و نهمین آنها مهدی است.

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم:

(لو لم يبق من الدهر الا يوم، لبعث الله رجلاً من أهل بيتي يملأها عدلاً كما ملئت جوراً). (۱۷)

رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم فرمود:

اگر باقی نماند از روزگار مگر یک روز، البته خدا بر می انگیزد مردی از اهل بیت مرا که زمین را از عدل پرکند، همچنان که از ستم پر شده باشد.

انتظار عامل مبارزه با فساد و انحراف

مسلمانان عموماً و شیعه اثنی عشری خصوصاً، انتظار ظهور شخصیتی را می کشند که انقلاب اسلام را جهانگیر، حق و عدالت را پیروز، بشر را از تضادهای گوناگون، استثمار، استعمار، استعمار واز وقوف و توقف نجات دهد و به سوی جلو پیش براند و اصول توحید، مساوات، آزادی و برادری اسلامی را رایج نماید.

این شخص موعود، امام دوازدهم از دوازده نفر پیشوایان و رهبرانی است که پیغمبر عالی مقام اسلام صلى الله عليه وآله وسلم در صدها حدیث آنها را معرفی کرده و فرزند عزیز رهبر یازدهم، حضرت امام حسن عسکری علیه السلام است.

اصل انتظار به صورتهای گوناگون در بین ملل مختلف همواره محفوظ بوده و آینده نگری همیشه بشر را به خود مشغول داشته، برگشتن به عقب و بلکه وقوف و ایستادن در یک مرحله به هر حال محکوم بوده و خلاف سنن عالم خلقت است.

حرمت بازگشت به فرهنگ جاهلی

قرآن مجید با بیانی محکم در آیات متعدد، به عقب برگشتن را محکوم فرموده است.

در غزوه تاریخی اُحُد که مسلمانان آزمایش شدند، امیرالمومنین علی علیه السلام فداکاریها کرد و پرچمداران و دلیران نامی مشرکان را کشت؛ و جبرئیل مواسات بی نظیرش را با پیغمبر صلى الله عليه وآله وسلم ستود و به پیغمبر گفت: (هذه المواساة) پیغمبر در جواب فرمود: (انه منی وأنا منه ، او از من است و من از اویم). جبرئیل گفت: (وأنا منكما ، من نیز از شما هستم) و ندا در داد: (لا سيف إلا ذو الفقار ولا فتى إلا على).

در این غزوه وقتی پاسداران درّه ای که کمینگاه بود پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم آنان را به پاسداری آنجا مأمور فرموده بود، هزیمت و شکست کفار را در اثر مجاهدات علی علیه السلام دیدند، سنگر خویش را رها کردند و خالد بن ولید با گروهش که در آنجا کمین کرده بود از همانجا به مسلمانان حمله‌ور شدند و تنی چند از پاسداران و فرماندهشان عبدالله بن جبیر را به شهادت رساندند. چهره جنگ به نفع مشرکان تغییر کرده و گروهی از مسلمانان کشته شدند و دیگران فرار کردند؛ غیر از علی بن ابی طالب و بر حسب بعضی از نقلها دو نفر دیگر هم که در نام آنها اختلاف است، کسی با پیغمبر ثابت نماند و راه فرار پیش گرفتند؛ و بعضی که شنیدند پیغمبر کشته شده است، در مقام ارتجاع و ارتداد و امان گرفتن از کفار برآمدند.

واژ جمله فراریان، ابوبکر و عمر و عثمان بودند؛ و عثمان به قدری در فرار و پشت کردن به جهاد و دفاع از اسلام و پیغمبر، از میدان جنگ دور شده بود که سه روز بعد برگشت!

نظر به این سستی‌ها و تصمیم بعضی دیگر بر بازگشت به عصر جاهلیت و ارتداد، آیات متعددی در نکوهش و سرزنش آنان و حرمت ارتجاع و وجوب ثبات قدم و استقامت نازل شد که از جمله این آیه بود:

(وما محمد الا رسول قد خلت من قبله الرسل أفان مات أو قتل انقلبتم علی أعقابکم، ومن ینقلب علی عقبیه فلن یضر الله شیئاً، و سبجی الله الشاکرین) (۱۸)، (و نیست محمد مگر رسولی که قبل از او هم پیامبران بسیاری بوده اند؛ آیا پس اگر (او) مرد، یا کشته شد، به عقب برمی گردید؟ و هر کس به عقب برگردد، هرگز به خدا زیانی نمی رساند و خدا به زودی شاکران را پاداش می دهد).

این آیه با کمال صراحت دستور می دهد حتی با رحلت یا کشته شدن پیغمبر - که بزرگترین ضربت بر روح طرفداران انقلاب اسلامی و الهی اسلام است - انقلاب اسلام نباید توقف کند و باید در مسیر خود پیشرفت نماید و باید مسلمانان دنبال این انقلاب را بگیرند و به عقب نبرنگردند.

وقتی رحلت رسول خدا نباید این عکس العمل را داشته باشد که کسی به فکر ارتداد و بازگشت به عقب و رژیمهای دوره های جاهلیت و پذیرش برنامه های غیر اسلامی بیفتد، معلوم است که مسلمان از هیچ حادثه و فاجعه دیگر، هر چه سخت و جانکاه باشد و هر چه زیان مالی و مادی و جانی داشته باشد، به ارتداد و عقبگرد، و قبول برنامه ها و نظامهای کافر مایل نمی شود و از کوشش برای پیش رفتن، ترقی و جهانی شدن انقلاب اسلام، چشم بر نمی دارد.

انتظار مصلح آخر الزمان و مهدی موعود، علاوه بر ریشه های استوار مذهبی و اسلامی، دارای عالی ترین فلسفه اجتماعی است.

مسلمانان عقیده دارند که انقلاب اسلام، جهانگیر و پیروز می شود و عالم از این نابسامانیهای مدنیتهای منهای شرف و انسانیت نجات پیدا می کند و بازگشت به عقب و ارتداد و عقبگرد، خلاف اصل و خلاف نهضت انبیا و تعالیم اسلام است.

اگر چه دنیای مادی امروز به ظاهر رو به جاهلیت گذارده و اهداف عالی انسانی و حقیقت و فضیلت و ما به الامتیاز بشر از حیوان، در بسیاری از جوامع فراموش شده، و طغیان و ظلم و بیدادگری و تجاوز و زور و استبداد و قلداری و استثمار و شهوترانی و نابکاری و خیانت و ناامنی به صورتهای جلوه های نو در جهان رایج شده و روز به روز رایج تر می شود؛ و اگر چه الفاظ و کلمات صلح، عدالت، آزادی،

مساوات، برادری، همکاری، تعاون و بشر دوستی را در معانی دیگر یا برای مقاصد دیگر به کار می برند؛ و اگر چه فاصله بین زورمندان و فرماندهان و زبردستان و فرمانبران هر روز زیاده تر و رابطه آنها با یکدیگر به رابطه دو انسان برابر هیچ شباهت ندارد؛ ولی این توحش تا هر کجا برود، تا دو هزار و پانصد سال، تا سه هزار سال، و پنج هزار سال بیشتر هم به عقب برگردد، چون خلاف خواستهای واقعی بشر و سیر کمالی او و خلاف عقیده و آرمان او است، پیروز نمی شود و سرانجام به شدیدترین وضعی سرکوب و ریشه کن خواهد شد.

این جاهلی مسلکی هر چه نیرو بگیرد و از هر حلقومی برایش تبلیغ شود، و هر چند که آموزش و فرهنگ را با زور قوای انتظامی با آن همگام و همراه سازند، عاقبت در برابر منطق آسمانی، قرآن که می فرماید:

(تعالوا الی کلمه سواء بیننا و بینکم أن لا نعبد إلا الله، ولا نشرك به شیئاً، ولا یتخذ بعضنا بعضاً أرباباً من دون الله) (۱۹)، (بیاید به سوی کلمه و عقیده یکسان و مشترکی بین ما و شما، که نپرستیم مگر خدا را و به او شرک نیاوریم و هیچ کدام از هم دیگر را غیر از خدا رب خود نگیریم). و در برابر آیه:

(إنا خلقناکم من ذکر و أنثی و جعلناکم شعوباً و قبائل لتعارفوا إن أکرّمکم عند الله أتقاکم) (۲۰)، (ما شما را از یک مرد و زن خلق کردیم و شما را در قبایل و ملت‌های مختلف قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید، البته گرامی ترین شما نزد خدا، متقی ترین شما است).

و در مقابل منطق وحی:

(ولقد أرسلنا فی فی کل أمة رسلاً أن اعبدوا و اجتنبوا الطاغوت) (۲۱)، (وما در هر امتی، رسولی فرستادیم که خدا را پرستید و از طاغوت دوری کنید).

و آیات بسیار دیگر شکست می خورد، و زبان و بلندگوهایش خاموش و قلم نویسندگان‌ش می شکند.

فساد، فحشا، نابکاری جوانان و بانوان، وضع بسیار ننگین و پر از آلودگی‌های زن در شرق و غرب جهان امروز و خیانت و جنایت، هر چه جلو برود؛ و هر چه نیروهای مادی، این فسادها را تهییج کند و آن را برای منافع پلید استثماری یا استعماری گسترش دهد، جنبش و انقلاب را علیه این مفاسد، کوبنده تر و ضربت آن را بر کاخهای فساد و طغیان، کاری تر می سازد.

پاورقی:

(۱) سوره توبه، آیه ۱۰۵.

(۲) سوره اعراف، آیه ۱۲۸.

(۳) سوره اعراف، آیه ۱۳۷.

(۴) سوره اعراف، آیه ۱۲۸.

(۵) سوره اعراف، آیه ۱۳۷.

(۶) سوره انبیاء، آیه ۲۱.

(۷) سوره صف، آیه ۸.

(۸) سوره انبیاء، آیه ۱۰۵.

(۹) سوره قصص، آیه ۵.

(۱۰) نهج البلاغه فیض الاسلام، کلمات قصار، (۲۰۰).

(۱۱) سوره رعد، آیه ۴۳.

(۱۲) از عالی ترین بیانات راجع به این سنت و وعده الهی و فلسفه تاریخ، بیانات حضرت زینب ۳ است که در خطبه تاریخی و بی نظیر که در مجلس یزید انشا فرمود، تذکر داد. در این مجلس که با برنامه و تشریفات بسیار جبارانه و مستکبرانه ترتیب یافته و وحشت و رعب آن، دل افراد عادی را می لرزاند و توانائی سخن گفتن را از آنها می گرفت، ابراز مخالفت و توبیخ و سرزنش و تحقیر یزید و اعلان رسمی محکومیت و انقراض حکومت او که خطر اعدام فوری داشت، از جانب یک نفر خانم اسیر و داغ دیده و مصیبت دیده، از معجزات بود

چنانکه آن بلاغت و از قرآن مجید الهام گرفتن، سنجیده و به سامان گفتن، یزید و چاپلوسان درباری و مزدوران خود فروخته دستگاه را تحت تأثیر قرار دادن، کرامت و حقایق اسلام و اهل بیت را اثبات نمودن، ستمگران و مستبدان را حقیر و پست شمردن، آن پیشگوئیا و خبر از آینده دادن و متلاشی شدن نظام یزیدی گفتن که هر جامعه شناس و روانشناس را مات و متحیر می سازد، از معجزات است. اگر کسی در این اعجاز تردید دارد، به او پیشنهاد می کنیم و از تمام بلغا و سخنوران ماهر می خواهیم که از این خطبه تاریخی و سخنان عقیده قریش، خطبه ای کوبنده تر، قاطع تر، محکوم کننده تر و مناسب تر با آن مجلس و موقف انشا نمایند.

الحق این خطبه از نشانه های درخشان جلالت، حقیقت، فضیلت و عظمت اهل بیت رسالت است، و از خدا می خواهیم که شرحی بر این خطبه بنگارم و به افتخار خدمتی به آن حضرت سرافراز گردم.

در این خطبه قانون و سنت و وعده تخلف ناپذیر الهی (و به اصطلاح بعضی، فلسفه تاریخ) را زینب مطرح ساخته و در موقعی که به حسب ظاهر همه چیز تمام شده و بسیاری مأیوس و ناامید و تسلیم وضع حاکم می شوند و یزید بر اوضاع مسلط گردیده، در نهایت استبداد و استعباد سلطنت می نماید، طرفداران حق و حزب حق و شیعیان اهل بیت را از یأس و ناامیدی نجات می دهد و اهل بیت و هدفها و مقاصدشان را فاتح و پیروز، و بنی امیه و حزب استعبادگر را مغلوب و شکست خورده معرفی می فرماید و اعلام می کند که از کرامت اهل حق چیزی کم نشد و بر اهل باطل چیزی افزوده نگشت و هر چه یزید کوشش و تلاش کند و اهل حق را بکشد و از میان بردارد و بر کید و کینه و ستمگری بیفزاید، نمی تواند ارتجاع و ارتداد جاهلیت را تجدید کند و از پیشرفت انقلاب اسلام جلوگیری نماید و نور خدا را خاموش سازد. آری، زینب به آینده درخشان اسلام و اهل بیت و آثار نجات بخش انقلاب برادرش حسین علیه السلام صد در صد اطمینان داشت و می دانست راهی را که برادرش رفته است راه خدا، راه حق و راه تاریخ است.

در کربلا روز یازدهم محرم، در آن هنگامی که او را به اسارت عازم کوفه کرده بودند و ابدان پاک شهدای راه حق روی زمین افتاده بود، همین خبر را می داد و آینده را می دید.

در مجلس یزید نیز با همین منطق محکم، مجلس را قبضه کرد و یزید را چنان کوبید و در آن دادگاه تاریخ، چنان محکوم کرد که یزید نتوانست یک کلمه از خود دفاع نماید، یا آنکه غیظ و خشم خود را با تصمیم جنایت دیگر فرو بنشانند.

اینک این قسمتی از خطبه را که خطاب به یزید است بخوانید و در معنی انتظار، تأمل فرمائید:

ثم کد کیدک واجهد جهدک فوالله الذی شرفنا بالوحی والکتاب والنبوة والانتخاب لاتدرک امدنا ولا تبلف غایتنا ولا تمحو ذکرنا ولا یرخص عنک عارنا ، پس تمام مکر و حيله ات را بکار گیر و تمام کوششت را انجام ده، که قسم به خدائی که ما را مشرف به وحی و کتاب و نبوت و انتخاب نمود هرگز نمی توانی عمق و نهایت ما را درک کنی و ذکر و یاد ما را محو نمایی، و آن عاری که بر ما وارد نمودی از تو زدوده نخواهد شد. (احتجاج طبرسی، چاپ بیروت، ص ۳۰۹).

و به این قاعده الهی و قانون تاریخ، شخص امام علیه السلام نیز در ضمن جریان نهضت کربلا مکرر تصریح فرمود، که شرح و تفصیل آن از حدود این مقاله مختصر خارج است.

(۱۳) سوره فاطر، آیه ۴۳.

(۱۴) سوره آل عمران، آیه ۱۴۹ - ۱۵۰.

(۱۵) سوره محمد، آیه ۲۵.

(۱۶) منتخب الاثر، ف ۱، ب ۷، ح ۲، ۱۰۶ حدیث دیگر به این مضمون.

(۱۷) منتخب الاثر، ف ۲، ب ۱، ح ۴.

(۱۸) سوره آل عمران، آیه ۱۴۴.

(۱۹) سوره آل عمران، آیه ۶۴.

(۲۰) سوره حجرات، آیه ۱۳.

(۲۱) سوره نحل، آیه ۳۶.

مقاومت، در برابر بازگشت به جاهلیت

مسلمانی که با چنین فکر و عقیده آینده گرا زندگی می کند، هرگز با گروههای فاسد و مشرک و خدانشناس همراه نمی شود و تا می تواند تقدّم و نوگرایی و آینده بینی خود را حفظ کرده، ثابت و استوار به سوی هدف پیش می رود.

او اطمینان دارد و به یقین می داند که بساط ظلم و فساد برجیده شدنی است، چون بر جامعه و بر فطرت بشر تحمیل است و آینده برای پرهیزکاران و زمین از آن شایستگان است:

(ان الارض لله یورثها من یشاء من عباده والعاقبة للمتقین)(۲)، (همانا زمین از آن خدا است و به هر کس از بندگانش که بخواهد به ارث می دهد و عاقبت از آن متقین است).

بنابراین مسلمان تسلیم ظلم و فساد نمی شود و با ستمگران و مفسدان همکار و همراه وهم صدا نخواهد شد.

این اصل انتظار مانند یک قوه مبقیه و عامل بقا و پایداری، طرفداران حق و عدالت و اسلام خواهان حقیقی را در برابر تمام دستگاههای فشار، استعباد، جهل و شرک، بشر پرستی و فساد انگیزی پایدار نگه می دارد و همواره بر روشنی چراغ امیدآوری منتظران و ثبات قدم و مقاومت آنها می افزاید و آنان را در انجام وظایف، شور و شوق و نشاط می دهد.

این اصل انتظار است که در مبارزه حق و باطل صفوف طرفداران حق را فشرده تر و مقاوم تر می کند و آنها را به نصرت خدا و فتح و ظفر نوید می دهد و گوش آنها را همواره با صداهای نوید بخش قرآن آشنا می دارد:

(قل انتظروا إنا منتظرون)(۳)، (بگو منتظر باشید که ما هم منتظریم).

(فتربصوا إنا معکم متربصون)(۴)، (منتظر باشید که ما هم با شما منتظریم).

(فانتظروا إنی معکم من المنتظرین)(۵)، (منتظر باشید که من هم با شما منتظرم).

خاص وعام، وشیعه و سنی، از رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم روایت کرده اند که فرمود:

(لو لم یبق من الدنیا إلاّ یوم واحد لطول الله ذلک الیوم حتی یخرج رجل من ولد یوای اسمہ اسمی، وکنیتہ کنیتی یملا الارض عدلاً وقسطاً کما ملئت جوراً وظلماً، یعنی اگر نماند از دنیا مگر یک روز، خداوند متعال آن روز را طولانی فرماید تا بیرون آید مردی از فرزندان من که نامش نام من و کنیه اش کنیه من باشد، زمین را پر از عدل و قسط کند، همچنانکه از جور و ظلم پر شده باشد).

این انتظار، ضعف و سستی و مسامحه در انجام تکالیف و وظایف نیست و عذر کسی در ترک مبارزه مثبت یا منفی و ترک امر به معروف و نهی از منکر نمی باشد؛ و سکوت و بی حرکتی و بی تفاوتی و تسلیم به وضع موجود و یأس و ناامیدی را هرگز با آن نمی توان توجیه کرد.

این انتظار، حرکت، نهضت، فداکاری، طرد انحراف و مبارزه با بازگشت به عقب و ارتداد است؛ مکتب زنده و سازنده اسلام و محمد علی و زهرا و حسن و حسین و زین العابدین و جعفر بن محمد و تمام ائمه: واصحاب و یاران خاص و پیروان آنها است. اگر نادانان یا مغرضان آن را بطور دیگر تفسیر کرده و آن را مکتب کنار رفته ها و کنار گذاشته شده ها، بیچاره ها، مأیوسان، تن به خواری دادگان، چاپلوسان و دین فروشان، معرفی کنند، خود در ردیف یهود که مصداق (یحرفون الکلم عن مواضعه) (۶) می باشند، قرار داده اند.

(یا ایها الرسول لا یحزنک الذین یسارعون فی الکفر من الذین قالوا آمنا بأفواههم، ولم تؤمن قلوبهم، ومن الذین هادوا سمّاعون للکذب سمّاعون لقوم آخرین لم یأتوک یحرفون الکلم من بعد مواضعه) (۷)، (ای پیامبر، آنان که به زبان گفتند ایمان آوردیم ولی قلبهایشان ایمان نیاورد و به سوی کفر سرعت گرفته اند، تو را ناراحت نکنند و همچنین آن یهودانی که حرفهای تو را تحریف کرده و به دروغ، سخنان فتنه خیز برای قومی که پیش تو نیامده اند، نقل می کنند، اینان سخنان را - مطابق میل و هوای نفس خود - از مواضع اصلیش تحریف می کنند).

ارزش انتظار

(قل کل متربص فتربصوا فستعلمون من أصحاب الصراط السوی ومن اهتدی) (۸)، (بگو همه منتظرند، پس انتظار بکشید، زود باشد که بدانید راه راست پویان و کسانی که هدایت یافته اند کیانند).

(وقل للذین لا یؤمنون اعملوا علی مکانتکم إنا عاملون، وانتظروا إنا منتظرون) (۹)، (بگو به آنها که ایمان نمی آورند (از راه تهدید) عمل کنید به حال خود، ما هم عمل می کنیم؟ ومنتظر باشید، ما هم منتظریم).

قال الصادق علیه السلام:

(إن لنا دولة یجیء الله بها اذا شاء ثم قال: من سرَّ أن یكون من أصحاب القائم فلیتظر، ولیعمل بالورع ومحاسن الاخلاق وهو منتظر). (۱۰)

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

البته که برای ما دولتی است که وقتی خدا خواست آن را می آورد. هر کس شاد می شود که از اصحاب قائم علیه السلام باشد، باید منتظر باشد و باید کار به پارسائی و اخلاق نیک کند و منتظر باشد.

قال الامام زين العابدين على بن الحسين عليه السلام:

(تمتد الغيبة بولي الله عزوجل الثاني عشر من أوصياء رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم والائمة بعده. إن أهل زمان غيبته القائلين بامامته، والمنتظرين لظهوره أفضل من أهل كل زمان). (۱۱)

امام زين العابدين عليه السلام فرمود:

غيبت ولی خدا ودوازدهمین وصی پیغمبر خدا وامامان بعد از پیغمبر صلی الله وعلیه وآله وسلم امتداد پیدا می کند. اهل زمان غیبت آن حضرت که معتقد به امامت ومنتظر ظهور او باشند، از اهل هر زمان برترند.

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم:

(أفضل العبادة انتظار الفرج). (۱۲)

رسول خدا صلی الله وعلیه وآله وسلم فرمود:

برترین عبادت، انتظار فرج (وپایان نابسامانیها ودشواریها وبی عدالتی ها وظهور دولت حقه حضرت مهدی علیه السلام وبرقراری مطلق نظام اسلامی) است.

ارزش انتظار

بشر در زندگی اجتماعی وفردی، مرهون نعمت انتظار است؛ واگر از انتظار بیرون بیاید وامیدی به آینده نداشته باشد، زندگی برایش مفهومی نخواهد داشت وبی هدف وبی مقصد می شود.

حرکت وانتظار در کنار هم می باشند واز هم جدا نمی شوند؛ انتظار علت حرکت وتحرك بخش است. آنچه مورد انتظار است، هر چه مقدس تر وعالی تر باشد، انتظارش نیز ارزنده تر ومقدس تر خواهد بود وارزش مردم را باید از انتظاری که دارند شناخت:

یکی انتظارش این است که پایان سال شود ورتبه ای بگیرد وحقوق وجیره اش زیاد شود.

یکی دیگر انتظارش این است که پایان سال تحصیلی برسد، گواهی نامه ومدرکی پیدا کند وبه وسیله آن کار وشغل مناسبی تهیه نماید.

یکی منتظر است وضعش روبراه شود، تا خواننده تشکیل دهد وهمسری اختیار کند واز تجرد وتنهائی خود را خلاص سازد.

دیگری منتظر است درآمدش بیشتر شود، خانه شخصی، ماشین سواری و... خریداری کند؛ یا اگر همت و نظرش بلند باشد، بیمارستان یا مسجد یا مدرسه، یا کتابخانه و دارالعلمی تأسیس کند.

یک نفر انتظار دارد در فلان مناقصه یا مزایده برنده شود.

خلاصه همه منتظرند؛ کاسب، منتظر؛ کشاورز، منتظر؛ کنتراتی، منتظر، باغ دار، منتظر؛ صنعتگر، منتظر؛ پدر، مادر و معلم همه منتظرند؛ بلکه ملتها و جامعه ها و حکومتها همه منتظرند.

رژیمهای سرمایه داری انتظار دارند که قدرتشان بیشتر گسترش یابد و دنیا را شدیدتر به زیر یوغ بی رحم استثمار خود بکشند و خون ضعفا را بمکند.

رژیمهای کمونیستی منتظرند انقلاب کمونیستی همه جا را زیر چتر خود بگیرد، و شدت فقر و جنگ و اختلاف طبقاتی تحول ایجاد کرده، اوضاع را به نفع آنها عوض کند تا کمونیسم، آزادیهای فردی و حرمت انسانی را در کام خود فرو برد و افراد جامعه مانند یک ماشین یا یک مرکز دانداری که وسایل خوراک و فریه شدن و خوردن و چریدن در آن فراهم شده باشد، منهای انسانیت زیست کنند.

دانشجویان واقعی و محققان منتظرند با نیروی تفکر و اندیشه، مشکلات علمی را حل کرده و هر چه بیشتر بر دانش و درک خود بیفزایند و دایره معلومات را توسعه دهند.

یزشک با ایمان منتظر است نتیجه معالجات خود را در بیمارش ببیند.

(قل کل متربص فتربصوا)(۱۳)، (بگو همه منتظرند، پس منتظر باشید).

اگر انتظار در این دنیا که عامل تدریج و تدرّج، تأثیر و تأثر، فعل و انفعال، و گذشت زمان است، از بشر گرفته شود، دیگر ادامه حیات برایش بی لذت و بی معنی است.

انتظار است که زندگی را لذت بخش و با روح و با معنی می سازد و شخص را به زندگی علاقه مند می نماید.

یک درخت تا وقتی انتظار می رود رشد کند و سایه داشته باشد و میوه بدهد، باقی می ماند؛ ولی وقتی از میوه دادن واز نمو و ترقی افتاد، آن را قطع می نمایند و به جایش نهالی می نشانند که تا سالها چشم انتظار به رشد و نمو میوه آن بدوزند و آن را پرورش دهند و آبیاری کنند.

پس همه جهان و همه جامعه ها و همه مردم و افراد، تا هستند و در سراسیمه سقوط و انقراض و فنا و مرگ و نیستی وارد نشده اند، منتظرند و باید منتظر باشند.

اسلام و انتظار

اسلام که تعلیمات و هدایت‌هایش بر اساس فلسفه‌های عمیق و صحیح اجتماعی و واقعی قرار دارد، اصل انتظار و نگاه به سوی آینده را، پشتوانه بقای جامعه‌ای مسلمان و محرک احساسات و مهیج روح فعالیت و اقدام قرار داده است؛ و انتظار آینده بهتر، و عصر فتح و گشایش و فرج را برترین اعمال شمرده است و رهبر عظیم الشان آن در حدیث شریف: (أفضل أعمال أمتی انتظار الفرج (۱۴) ، برترین کارهای اُمّت انتظار فرج است)، انتظار فرج را افضل اعمال امت خود معرفی فرموده است.

آن هنگام که پیغمبر بزرگ اسلام صلی الله علیه و آله وسلم در حالی که غیر از علی علیه السلام و عموی بزرگوارش ابوطالب، از مردها یار و یاور دیگر نداشت و مردم را به خدا و دین توحید دعوت می فرمود؛ آن هنگام که دست یافتن بر خزائن کسری و قیصر، آن هم برای مردمی محروم و مستضعف، جزء محالات عادی محسوب می شد؛ و در آن هنگامی که به جای همکاری و قبول آن دعوت نجات بخش و آزاد ساز توحیدی، از مردم دشنام و ناسزا و اهانت می شنید ورنج و آزار و اذیت می دید، مردم را به آینده درخشان این امت نوید می داد و وعده می داد که کلمه توحید را بگوئید تا رستگار شوید: (قولوا لا اله الا الله تفلحوا) تا عرب خاضع شما گردد و عجم به شما جزیه بدهد. سوگند یاد می کرد که گنجهای کسری و قیصر در اختیار شما قرار خواهد گرفت.

و پیروانش با سرمایه و اسلحه انتظار رو به سوی آینده و قدم به پیش قرار داده بود. و در برابر سیل مخالفت‌ها و شیطنت‌ها، قطع ارتباط‌ها و محاصره‌ها، شکنجه‌ها و آزارهای بدنی مسلح، به مقاومت و ایستادگی حتی تا ترک مال و خانه و شهر و مسکن در راه اسلام و هدفهای توحید آن، تشویق می کرد و از پیروزی حق و مغلوب شدن باطل سخن می راند.

این انتظار و ایمان به این وعده‌های الهی بود که مسلمانان را در میدانها فاتح و جانباز و فداکار کرد.

مسلمانان در انتظار این روزهای درخشان، آن روزهای سخت و تلخ و پر از مصیبت را پشت سر گذاشته و جلو رفتند.

قرآن مجید در آیات متعددی مسلمانان را به انتظار آینده گذارده و آینده بهتر را به این امت نوید داده است و آینده گرایی را تعلیم می فرماید.

از جمله در این آیه نوید می دهد که هرگاه خطر ارتجاع پیش آید و از مسلمانان، افرادی مرتد و بی دین شوند و از دین برگردند، خدا قوم و گروهی را می آورد که آنان را دوست می دارد و آنها خدا را دوست می دارند، نسبت به مؤمنان فروتن هستند، نسبت به کفار، عزیز و غالب و خوددار و غیر قابل انعطاف می باشند، در راه خدا جهاد می کنند و از ملامت و سرزنش ملامت کنندگان بیم ندارند؛ که آیه ۵۴ سوره مائده مشعر بر این مطلب است:

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ).

در این آیه که خطر ارتداد و بی دینی و بازگشت به سوی کفر و شرک و فحشا و بشر پرستی و سنن و رسوم باطل شده به وسیله اسلام، شده است قیام گروهی مجاهد را که با ارتجاع مبارزه کنند و آن را سرکوب نمایند، نوید داده؛ و مسلمانان حقیقی را در برابر این مرض مهلک و خطرناک، با انتظار و اعلام آینده سالم و شکست ارتجاع و پیروزی دوستان خدا، مصونیت بخشیده است.

و آیه: (إنا نحن نزلنا الذكر وإنا له لحافظون) (۱۵)، (همانا ما قرآن را فرو فرستادیم و خود نیز آن را حفظ خواهیم کرد).

خبر از حفظ قرآن مجید و رسالت اسلام، و این دین و آئین مقدس می دهد و مخصوص به یک دوره و عصر نیست و تا ابد و تا هنگام ظهور حضرت مهدی و تشکیل جامعه جهانی اسلام، این آیه نوید بخش و امیدوار کننده است که در هیچ حال و شرایطی مسلمانان نباید ناامید باشند، بقای این دین بر حسب سنن الهی و وعده های خدا و رسول خدا تضمین شده است.

اگر بازگشت به عقب و ارتداد و رجعت به جاهلیتی پیش بیاید و در بین ملل مسلمان صدای افتخار به دوره های جاهلیت و زنده کردن رسوم پیش از اسلام بلند شود؛ و اگر به هر شکل و وضع بیگانگان یا افرادی که در شمار مؤمنان بوده و به ارتداد و فساد روی نهاده اند بخواهند پیشرفت و جهانگیر شدن انقلاب الهی اسلام را متوقف کنند، یا از بین ببرند و شعائر اسلام را تعطیل و در فراموشی اندازند قانون خلقت و صدای وجدان و فطرت و اراده الهی، گروهی مصمم و با عزیمت را که خدا آنها را دوست دارد و آنها خدا را دوست می دارند، برای حمایت این دین و جهانی شدن این انقلاب و روشن نگاهداشتن این چراغ برمی انگیزد.

از هنگام رحلت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم تا حال، تاریخ اسلام مصادیق و نمونه های بسیاری از آنچه در این آیه پیش بینی شده است نشان می دهد و ارتداد در صورتهای مختلف دعوت اسلام را تهدید کرده و بلکه به ظاهر متوقف ساخت؛ ولی چنانکه در این آیه خداوند متعال وعده فرموده است، هر مرتبه، ارتداد به وسیله افرادی الهی و مخلص و فداکار سرکوب شده و خطر خاموش شدن صدای دعوت اسلام مرتفع گشت. ارتداد و عقبگردی که پس از رحلت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم (۱۶) مخصوصاً در امر خلافت و رژیم حکومتی اسلام پیش آمد و منتهی به عثمان ها و معاویه ها و یزیدها، و سائر بنی امیه و بنی عباس و ستمگران دیگر شد و نظام سیاست و حکم و اداره جامعه اسلامی را به نظام حکومتهای قیصرها و کسری ها برگرداند، ابتدا با مقاومت و مخالفت رسمی افرادی انگشت شمار به رهبری علی و فاطمه زهرا علیهما السلام رو برو شد؛ و پس از آن اگر چه عقبگرد از دین به مرور زمان گسترش یافت، ولی کسانی که از آن بازگشته و به گروه علی علیه السلام و وفاداران حقیقی انقلاب اسلام ملحق گردیدند زیاد شدند و با قیام مسلمانان انقلاب خواه علیه عثمان، حکومت علی علیه السلام فرهنگ جاهلی را در یک قدمی نیستی و فنا قرار داد؛ اما بازمانده و وارث حقیقی جاهلیت (معاویه) در باره پرچم اتداد را برافراشت و از آن به بعد اگر چه جاهلیت ریشه کن نگردید و اسلام تا حال به هدفهای بزرگ خود نرسیده و انقلابش کامل نگشته و در بین راه است و باید منتظر آینده بود تا آن مصلح حقیقی و منظر موعود بیاید و انقلاب اسلام را عالمگیر ساخته و حکومت جهانی الهی را تشکیل دهد؛ ولی همواره تحت تأثیر همین تعالیم اسلام و برنامه انتظار، مبارزه با ارتداد و جاهلیت جریان داشته و دارد و در صورتهای مختلف از تسلط کامل و تمام عیار جاهلیت جلوگیری شده است که شهادت سیدالشهدا علیه السلام و قیام مقدس حسینی علیه بنی امیه، کاری ترین ضربتها بر پیکر ارتدادی بود که به وسیله بنی امیه رهبری می شد.

ما در اینجا نمی‌خواهیم تاریخ این مقاومتها و مبارزه‌ها را در عصر بنی‌امیه و بنی‌عباس و ادوار مختلف شرح دهیم، واز نقش اهل بیت و برنامه‌ها و تعالیم ائمه طاهرین: که بیشتر به صورت مبارزه منفی بسیار دقیق به حملات خلفاء جور علیه موجودیت اسلام و حقایق و اهداف مقدس این دین پاسخ داده و مدافعه می‌نماید، چیزی بگوئیم؛ ولی باید متذکر شویم که روش مبارزه منفی آنها اکنون هم مؤثرترین روش مبارزه با دشمنان داخلی، منافقان و دشمنان خارجی است و نتایج مهمی نیز داشته است. مثلاً به زندان افتادن امام هفتم حضرت موسی بن جعفر علیه السلام به شدت، ارکان جاهلیتی را که به وسیله هارون دیکتاتور با آن همه قدرت و توسعه قلمرو حکومت استبدادی نگهداری می‌شد لرزاند. بیان کامل این مطلب، حداقل به یک کتاب مفصل نیاز دارد که فعلاً در پی آن نیستیم.

بلکه فقط می‌خواهیم متذکر شویم که انتظار و مثل این وعده‌هایی که در این آیه کریمه و آیات دیگر است، یکی از پایه‌های مهم وزنده مبارزه علیه فساد، در جامعه اسلام بوده، که آن را باید سرچشمه مقاومتها و منبع تحرکات و مبارزات ایجابی و سلبی اهل حق با اهل باطل شمرد که مسلمان هیچگاه کار اسلام و انقلاب آن را پایان یافته و تمام شده نخواهد دانست و همواره به مضمون آیه کریمه (یریدون أن یطفؤا نور الله بأفواههم ویأبی الله إلا أن یتیم نوره ولو کره الکافرون) (۱۷) تلاشهای دشمنان و منافقان نقش بر آب و نور خدا در اتمام و گسترش خواهد بود.

انتظار جامعه تشیع

مسلمانان عموماً و شیعیان خصوصاً منتظرند که سراسر گیتی را عدل و علم و توحید و ایمان و برابری و برادری فرگیرد و آن رهبری که وعده ظهور او در قرآن و صدها احادیث معتبر وارد شده است ظاهر شود و آئین توحیدی اسلام را که در شرق و غرب جهان وارد شده است ظاهر کرده و گسترش دهد و امت واحد، حکومت واحد، قانون واحد، نظام واحد تمام افراد بشر را متحد، هم صدا، هم قدم، و به هم پیوسته سازد.

این عقیده به ظهور مصلح منتظر، حضرت مهدی موعود، چنانکه در روایات به آن اشاره شده است، شیعه را در جریان زمان برای مقاومت در برابر صدمات و لطماتی که بر هر دعوتی وارد می‌شد و آن را متلاشی می‌کرد، پرورش داد و فکر شیعه را که فکر خالص اسلامی است و جامعه شیعه را از زوال و انقراض نگاه داشت؛ و تا امروز این فکر و این عقیده و ایمان عامل بقای شیعه و پایداری و استقامت اوست.

آن شیعیانی که با آن وضع جانگزای حکومت بنی‌امیه و بنی‌عباس رو برو شده بودند که تمام حیثیات و شؤون ظاهری و اجتماعی آنها الفا شده و از همه مشاغل محروم، و در همه جا مورد تعقیب و زیر نظر جاسوسان حکومت قرار گرفته، و کمترین مجازات آنها زندان بود، تا مجازاتهای شدید از بریدن دست و پا و زبان و بینی، و شکنجه‌های غیر قابل تحمل دیگر، اگر منتظر و آینده بین نبودند و اعتقاد به پیروزی حق و عدالت، و شکست باطل و ستم نداشتند، با اینکه همه چیز را از دست رفته می‌دیدند، هرگز برایشان حال مقاومت باقی نمی‌ماند و همه حتی در دل شکست خورده و تسلیم می‌گشتند و از دگرگون شدن اوضاع، و عوض شدن و ورق خوردن صفحه تاریخ ناامید می‌گردیدند و ریشه هر نهضت و حرکت و پایداری در آنها خشک می‌شد.

اما پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم وعلی علیه السلام وعده داده وقرآن مجید نیز بشارت داده است که این دین پایدار می ماند واین راه بسته نمی شود واین نزاع ونبرد حق وباطل، با غلبه ظاهری جباران تاریخ مانند یزید وولید وزیاد وحجاج وهارون ودیگران پایان نمی پذیرد.

و پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم وشهادت امیرالمؤمنین وسیدالشهدا علیهما السلام تا امروز ریشه تمام حرکات ونهضتهای شیعه ومسلمین علیه باطل واستثمارگران، همین فلسفه اجتماعی انتظار وعقیده به ادامه مبارزه حق وباطل تا پیروزی مطلق بوده است؛ که می بینیم همیشه از میان شکست ها پیروزی هایی آشکار ودر عین ذلت ظاهری، پرتو وشعاع عزت وسربلندی وآقایی نمودار شده واراده ها وهمت ها به حرکت وجنبش در می آید وافراد با اراده ومصمم ومتعهد وارد میدان می شوند؛ وهر چه دشمنان حق وعدالت، مسلمانان را می کشند وبه زندان می اندازند وهر گونه شکنجه وعذابی را در باره آنها اجرا می نمایند وآنها را از اجرای قوانین اسلام وبرقرار کردن شعائر دینی با زور وتطمیع باز می دارند وتعلیم وتربیتشان ومطبوعات وتبلیغات وتمام وسایل ارتباط جمعی و رسانه های گروهی را ضد اسلامی ومنحرف کننده می سازند، در ایران، الجزایر، اندونزی، فیلیپین، اوگاندا، اتیوپی، فلسطین ونقاط دیگر باز هم مبارزه ادامه می یابد تا ملتھائی مثل ایران، الجزایر واندونزی آزاد می شوند.

این است فلسفه بزرگ اجتماعی انتظار ظهور واین است یکی از اسرار غیبیت حضرت صاحب الامر - عجل الله تعالی فرجه - واز این جهت است که ثواب منتظرین مانند ثواب مجاهدین وبلکه شهیدان بدر واحد است.

واین است که از نظر یک فرد مسلمان در هر شرایط واوضاع نامساعد وناگواری که جلو بیاید، کار اسلام خاتمه یافته تلقی نمی شود وروز این دین به آخر نمی رسد.

واین است همان فلسفه ای که در ادیان گذشته نیز مایه امیدواری پیروان آنها ومشوق آنان به استقامت وپایداری ومقاومت وجهاد بوده است. ودر حقیقت، انتظار، فلسفه محکم واستواری است که در تمام ادیان مورد توجه بوده وبه آن عقیده داشته اند واز سنن ونوامیس ثابتی است که همه ادیان آسمانی در بقای خود از آن مایه گرفته اند وهمه در انتظار آینده عالی تر وبهتر بوده اند وظهور اسلام، این دین جامع، به تمام آنها نوید داده شد؛ تا وقتی خورشید جهانتاب اسلام طلوع کرد وعالم، وتمام پیروان ادیان از انتظار آن بیرون آمدند، در اسلام نیز که آخرین رسالت ها وادیان است، مسأله انتظار، این فلسفه بزرگ در ظهور مصلح ومنجی آخر الزمان ولیّ دوران حضرت مهدی علیه السلام که در بیت رسالت واز فرزندان علی وفاطمه وحسن وحسین، ونهمین فرزند حسین است، خلاصه شد.

عامل بقا

بنا بر این چنانکه از بررسیهای عمیق ودقیق در تاریخ ودر فلسفه ادیان، ودر قرآن کریم واحادیث وروایات استفاده می شود، فلسفه انتظار مانند یک عامل وماده حیاتی مهم در تمام ادیان آسمانی وجود داشته ورمز بقا وموجودیت آنان بوده است واکنون هم از عوامل بقای جامعه مسلمین است.

دیدگاه وسیع

در ضمن، این انتظار است که دیدگاه وسیع وافق نظر بلند مسلمانان ومخصوصاً شیعیان را نشان می دهد.

در حالی که بسیاری از مردم وملل دیگر انتظار می برند که بر ملل دیگر مسلط شده وآنها را استثمار نمایند.

ودر حالی که هر یک از شرق وغرب در انتظار روزی هستند که حریفشان از پا در آید وجهان مسخر هوی وهوششان گردد.

ودر هنگامی که کمپانیهای بازرگانی وحکومتهای زیر نفوذ آنها انتظار می کشند دنیا بازار تجارت آنها شود وبشر در عالم اقتصاد برده آنها گردد.

ودر وقتی که گروههای بسیاری در جهان بی هدف امروز در کنار کاباره ها وسینماها وتماشاخانه ها صف کشیده ودقیقه شماری می کنند ودر انتظارند که در این اماکن فساد به رویشان باز شود وبه این ترتیب هستی خویش را تباه می کنند.

در این هنگام، مسلمان آگاه وروشن فکر وشیعہ متعهد ومبارز، در انتظار روزی است که جهان به زیر پرچم حق وعدالت وتوحید وحکومت جهانی اسلام واحکام خدا در آید وتمام بی عدالتیها ونابرابریها نابود گردد واین فاصله های پوچ از میان خلق خدا برداشته شود.

مسلمانان انتظار روزی را می کشند که فقر وبدبختی، وجهل ونادانی از سراسر جهان ریشه کن گردد وبینش وبصیرت جامعه، کامل، وافراد صالح ورشید ودادگر، زمامدار ومصادر امور باشند، واختلافات جغرافیائی وملی ودینی، وسیاستها ورژیمها ومسئلههای باطل از بین برود.

این بینش ومقصد وهدف وانتظار مسلمانان است که خیر وسعادت عموم، عصر آزادی، برابری همگان وآسایش ورفاه، علم وترقی، وعدالت ونیک بختی را برای تمام افراد بشر خواهان است.

این انتظار، شخص را متعهد ومسئول می سازد که برای تحقق هدفهای اسلام وعملی شدن برنامه های دین بدون هیچ یأس وضعف وسستی ونامیدی، شب وروز کوشش نماید وفداکاری کند تا بلکه یک گام به سوی مقاصد متعالی اسلام جلو برود.

این انتظار، شخص را محکم ومقاوم، با اراده، نفوذ ناپذیر، مستقل، شجاع وبلند همت می سازد.

این انتظار، لفظ نیست؛ گفتن نیست؛ عمل است، حرکت است، نهضت ومبارزه وجهاد است، صبر وشکیبائی ومقاومت است.

نیمه شعبان

نیمه شعبان، عید انتظار، عید نور، عید نهضت و آماده شدن برای جهاد بیشتر، مقاومت‌های سخت تر؛ جشن و چراغانی آن، اعلان نشاط، آگاهی، روشنی ضمیر، توجه منتظران و نمایش شادمانیها و زوال تاریکیها در جامعه جهانی اسلام است.

کسی که منتظر است، باید به سوی آن رستخیز عظیم و بی مانند قدم بردارد و آماده شود و از هر فرصتی بهره برداری نماید، و دین خدا و احکام خدا و آنچه را که به صاحب وقت و ولی عصر - ارواحنا له الفداء - انتساب دارد، از مال و جان و فرزند و مقام خود گرمی تر بدارد و برای حفظ و نگاهداری آن کوشا تر باشد؛ و باید جشن و چراغانی و تبلیغات و سخنرانیها و مجالس و محافل نور، این انتظار حقیقی را در دلها روشن تر سازد و بر نشاط و تعهد و مقاومت جامعه بیفزاید.

کسی که منتظر است، به معانی بزرگی که از جشن و چراغانی نیمه شعبان در نظر است التفات داشته و هدف و مقصد را فراموش نمی نماید، و جشن و چراغانی را وسیله سرگرمی قرار نمی دهد؛ و به جای وظائف خطیر و مسؤولیتهای مهمی که در برابر خدا و قرآن و شخص حضرت ولی عصر - ارواح العالمین له الفداء - و اسلام و تشیع دارد، به مراسم خشک و خالی جشن و چراغانی اکتفا نمی کند، و از حقیقت و درسی که از این مراسم باید گرفت غافل نخواهد ماند، تا خدای نخواستہ دشمنان یا نادانان، این مراسم و بلکه اصل انتظار را عوضی تفسیر نمایند و آن را عامل سکوت و رکود و ترک امر به معروف بشمارند.

این جشنها و چراغانی ها باید اعلان وفاداری به اسلام و تصمیم محکم به مقاومت در برابر نقشه های ضد اسلام، و ابراز علاقه به قرآن، و مطالبه حقوق اسلامی، و هم صدایی و اتفاق و اتحاد باشد.

این مراسم که در نهایت خلوص صورت می گیرد، اعلام خواسته های حقیقی جامعه، مخالفت همگان با نظامهای نا مشروع، و موافقت آرای عموم با نظام خالص و صحیح اسلامی است که باید همیشه و در تمام مواقع و فرصتها ابراز شود.

والسلام علی ناموس الله الاکبر والامام الثانی عشر أب الوقت، ومولی الزمان الذی هو للحق آمین، وللخلق أمان، مولانا وسیدنا صاحب الزمان ارواح العالمین له الفدا و عجل الله فرجه وجعلنا من شیعته وأنصاره وأعوانه.

پاورقی:

(۲) سوره اعراف، آیه ۱۲۸.

(۳) سوره انعام، آیه ۱۵۸.

(۴) سوره توبه، آیه ۵۲.

(۵) سوره اعراف، آیه ۷۸.

(۶) کلامها و سخنان را از مواضع اصلی خود تحریف و دگرگون می کنند. (سوره نساء، آیه ۴۶).

(۷) سوره مائده، آیه ۴۱.

(۸) سوره طه، آیه ۱۳۵.

(۹) سوره هود، آیه ۱۲۱.

(۱۰) منتخب الاثر، ف ۱۰، ب ۲، ح ۹.

(۱۱) منتخب الاثر، ف ۲، ب ۲۴، ح ۱.

(۱۲) منتخب الاثر، ف ۱۰، ب ۲، ح ۱۶.

(۱۳) سوره طه، آیه ۱۳۵.

(۱۴) تحف العقول عن الرسول، ص ۳۷.

(۱۵) سوره حجر، آیه ۹.

(۱۶) رسول اعظم اسلام صلی الله علیه وآله وسلم بر حسب اخبار مستفیض و بلکه متواتر حوض که در معتبرترین جوامع حدیث اهل سنت، مثل صحیح بخاری و صحیح مسلم و موطأ مالک و مسند احمد روایت شده است، خبر داد که گروهی از اصحابش پس از وفات آن حضرت بی دین و مرتد گردیده، بازگشت به عقب و قهقرا می نمایند، و صدق خبر پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم ظاهر گشت. هنوز جسد اطهر پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم دفن نشده بود که مرتجعان وارد میدان شده، و برنامه هائی را که پیغمبر در امور ولایت و رهبری امت و لزوم تمسک به کتاب و عترت اعلام فرموده بود کنار گذارده، و سقیفه بنی ساعده، نخستین مظهر رسمی این ارتجاع گردید؛ و این همان ارتجاعی است که زهرای مرضیه - سلام الله علیها - در آخر خطبه تاریخی در مسجد مدینه آن را محکوم فرمود و از جمله فرمود: (فلما اختار الله لنبیه دار أولیائه، و مأوی أصفیائه ظهرت فیکم حسکة النفاق، و سمل جلیباب الدین و نطق کاظم العاوین، و نبغ خامل الاقلین، و هدر فنیق المبطّلین، فخطر فی عرصاتکم، و أطلع الشیطان رأسه من مغرزه هاتفاً بکم، فالفاکم لدعوته مستجیین...، و قتی خدا جان پیامبر خود را قبض کرد، قومی به عقب برگشته و راه ارتجاع پیش گرفتند و راههای گوناگون، آنها را گمراه کرد، و به بیگانه اعتماد کردند و با غیر رحم پیوند نمودند، و سبب و وسیله ای را که مأمور به مودت و دوستی آن بودند ترک کردند و بنا را از اساسش کنده و در غیر جایگاه خود بنا نمودند).

و در مکتوبی (نامه ۳۲، صبحی صالح) که به معاویه مرقوم فرموده است پیروانش را که پس از رهبران گذشته این ارتداد، وارث آنان شد نکوهش نموده و می فرماید:

(فجازوا عن وجهتهم، و نکصوا علی أعقابهم، و تولوا علی أذبارهم و عولوا علی أحسابهم، کسانی که گرفتار مکر و خدعه معاویه و اضلال او شدند، از راه خدا بر کنار گردیده و به قهقرا برگشته و راه ارتداد و ارتجاع پیش گرفته و به حسبهای پست و بی مایه و الفا شده، اعتماد کردند).

(۱۷) کافران می خواهند نور خدا را با گفتار جاهلانه خود خاموش کنند ولی خداوند نمی خواهد مگر آنکه نور خود را به پایان برساند اگر چه کافران کراحت دارند. (سوره توبه، آیه ۳۲).